

توسل به زور در مبارزه ایدئولوژیک نشانه ضعف است

در صفحه ۸

تحکیم حاکمیت ارتجاع و امپریالیسم قربانی میطلبد!

اخبار واصله از ایران حاکی از آن است، که قانون شکنان و شکنجه گران علیه رهبران، کادرها و اعضای دریند حزب توده، ایران تدارک برگزاری يك به اصطلاح دادگاه را می بینند.

برگزاری چنین "دادگاهی" بدون شرکت ناظران بین المللی، حقوقدانان و پزشکان، توهینی است به افکار عمومی مردم ایران و جهان، که ماههاست با محکوم کردن شکنجه های بربرمنشانه اعمال شده علیه توده های دریند، ملاقات گروههای حقوقدان و پزشک بی طرف بین المللی را با زندانیان توده های طلب می کند.

این "دادگاه" بدون شرکت وکیل مدافع و حضور ناظران بین المللی، همانقدر در افکار عمومی فاقد ارزش خواهد بود، که "اقتاری" که از طریق اعمال شکنجه بدست آمده، بدون ارزش است. فقط با حضور وکیل مدافع و ناظران بین المللی است، که روشنی به صحنه تاریک تدارک این "دادگاه" آورده می شود.

تدارک این اقدام تضحیتی علیه حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران، که با زیر پا گذاشتن اصول مترقی قانون اساسی و بی حرمتی به روح مردمی آن و حقوق تصریح شده ملت در آن انجام می شود، همزمان است با رشد نارضایی زحمتکشان و محرومان میهن ما از وضع گذران سخت زندگی و تشدید فشار غیرقانونی نیروهای قشری و راستگرا

بقیه در صفحه ۲

راه توده

نشره ماهانه حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۳۱ تیر ۱۳۶۲ مطابق ۸ شوال ۱۴۰۳ و ۱۳ تویه ۱۹۸۳ سال اول، شماره ۵۱ بیبا: ۴۰۰ ریال

قانون شکنی بی پرده علیه توده ایهای دریند

شکنی خود و دیگر مقامات مسئول در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به لگد مال کردن و نقض اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که حضور وکیل مدافع را "در همه دادگاهها" تصریح می کند، می پردازد.

وی بدون هرگونه وحشتی از قانون شکنی خود و به مثابه يك حاکم مطلق العنان، که خود را در مقابل هیچ مقام و مرجعی پاسخگو نمی داند، حق برخورداری از کمک قضائی را برای زندانیان توده های رد می کند.

سیر حوادث بویژه در ماههای اخیر میبسن آن است، که هدف از این سخنان، آماده ساختن افکار عمومی برای "قبول" جنایات نوبتی وحشتناک و قتل عام میهن دوستان می باشد.

بقیه در صفحه ۶

آقای لاجوردی، دادستان کل دادگاههای انقلاب تهران، اعلام داشت، رهبران حزب توده، ایران، که اخیرا بازداشت شده اند به جوخه های اعدام سپرده خواهند شد، "حتی چنانچه نسبت به اعمال گذشته خود ابراز تدامت کرده و توبه کنند". وی گفت، گویا رهبران حزب توده، ایران، "جرایم بسیار سنگینی مرتکب شده اند و انحراف آنها از راه الله بسیار عظیم است".

این اظهارات یکی از مقامات عالیرتبه قضائی جمهوری اسلامی، نمی تواند موجبات نگرانی نیروهای مترقی در داخل و خارج کشور را فراهم نیارد.

این نگرانی بویژه از آن جهت تشدید می شود، که آقای لاجوردی بدون هرگونه پرده پوشی از قانون

"نبرد که برکه"

یک واقعیت انکارناپذیر!

جدل های لفظی این روزها بین تسلیم طلبان و راستگرایان، از واقعیت وجود و ادامه "نبرد که برکه" در بین گروههای شرکت کننده در حاکمیت جمهوری اسلامی حکایت می کند.

به ویژه با وقایع هفته های اخیر و جدل های لفظی در مجلس و نطق یکشنبه ۱۹ تیرماه ۶۲ آقای نخست وزیر و سپس مطالب عنوان شده از طرف رئیس مجلس و همچنین مقامات با لابی رهبری جمهوری، این برخورد ها به نقطه اوجی رسیده اند.

اگر چه این جدل های لفظی عمدتاً مبهم و سر پوشیده انجام می گیرند، ولی با این وجود دو نکته را افشا می کنند:

نکته اول آنست، که بی پایگی نظر آن تسلیم طلبانی، که مدعی شدند با موافقت، شرکت و حتی پرچمداریشان در سرکوب حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران، تنها حزبی که پیکرانه و با روشن بینی علمی از اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب دفاع کرده و میکند، گویا دستشان برای اجرای اصلاحات به نفع زحمتکشان باز خواهد شد، بر ملا شد.

برخلاف این ادعا و یا شاید امید تسلیم طلبان، زندگی روزمره نشان میدهد، که آنها نه فقط قادر نشدند با این پشت کردن به اهداف انقلاب و تعهداتشان، در پایبندی به قانون و اخلاق و اصولیت انقلابی، اصلاحاتی به نفع زحمتکشان انجام دهند. و با این شیوه هیچ گاه هم قادر نخواهند شد انجام دهند، بلکه حتی امکان

بقیه در صفحه ۴

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می دهند

محافل بین المللی از این تضحیقات با اظهارات مقامات رسمی در حاکمیت، از جمله لاجوردی، دادستان دادگاههای انقلاب، تشدید شده است. وی در مصاحبه های بدون پرده پوشی تصمیم مقامات مسئول ج ۱۰۱۰ را در قانون شکنی اعلام می دارد و اظهار می کند، که تصمیم به نقض اصل ۳۵ قانون اساسی ج ۱۰۱۰، که حضور وکیل مدافع را "در همه دادگاهها" تصریح می کند، گرفته شده است.

بقیه در صفحه ۳

در روزهای اخیر، مسائل بفرنج انقلاب ایران، گردش به راست حاکمیت و فشار راستگرایان مدافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان به زحمتکشان میهن ما و به حزب آنان، حزب توده، ایران، موضوع قابل توجه رسانه های خبری را در سراسر جهان تشکیل داده و دفاع از حزب و تلاش برای نجات جان مبارزینی، که به جنگال انتقام دژخیمان ساواک - سیای جمهوری اسلامی گرفتار آمده اند، همچنان ادامه دارد. نگرانی

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده های!

تحکیم حاکمیت ارتجاع و امپریالیسم قربانی میطلبد!

بقیه از صفحه ۱
به آنها.

سرمایداران و بزرگ زمینداران و اربابان امپریالیست آن می کنند و هر روز بیشتر با ناراضی روز افزون زحمتکشان روبرو می شوند، می خواهند دست خود را در خون تودهای دریند بشویند.

آنها که بارها به کمک همین رهبران دریند حزب ما، از مهلکه کودتای نجات یافتند و قادر شد ند خود را از زیر ضربه خنجر می امپریالیسم و عاملان آن از پشت بر آنها فرود می آورند، نجات دهند، اکنون می خواهند تک خورده، نکند آن را بشکنند!

" داد " را به گردن خود می آویزند .
این پاک باختگان بی رمق در مقابل امپریالیسم و ارتجاع و کلان سرمایداران و بزرگ زمینداران، این جاده صاف کن های یازگشت دشمنان خلق، که تسلیم طلبی خود را با این ادعا توجیه کردند، که با سرکوب بهترین فرزندان طبقه کارگر و " منحل " اعلام کردن حزب توده ایران، گویا راه اجرای اصلاحات بسسه نفع زحمتکشان را باز کرده اند، اکنون که منافس استعمارشدگان و محرومان را پایمال آزمندی های

همزمانی تدارک این " دادگاه " علیه مدافعان راستین استقلال، آزادی و عدالت - اجتماعی یا تشدید ناراضی زحمتکشان، کنسه در برگزاری تظاهرات اعتراضی مردم طلیه گرانسی و کمبود مواد اولیه زندگی، حتی آب و نان و برق و همچنین طلیه ادامه جنگ در شهرهای مختلف ایران، جلوه می کند، امری طبیعی و قانونمند است .

تجربه همین چند ماه اخیر " نبرد که برکه " در جمهوری اسلامی ایران این تجربه آزموده در ایران و جهان را یکبار دیگر مورد تأیید قرار داد، که سرکوب بهترین فرزندان طبقه کارگر، مدافعان راستین منافع زحمتکشان و منافع ملی میهن، وقتی " ضرورت " می یابد، که سرکوب تمام خلق، که پایمال کردن منافع زحمتکشان شهر و ده، که بر یاد دادن منافع ملی میهن، به برنامه روز ارتجاع و امپریالیسم حامی آن تبدیل می شود . آری، تسلط دوباره ارتجاع و امپریالیسم بر سرنوشت میهن زخم خورد، ملویر سرنوشت خلق های ستمدیده آن باردیگر از مدافعان راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی قربانی می طلبند .

ارتجاع و امپریالیسم از حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، که در طول ۱۴ سال صریح و پنهان و حماسه های خود بارها بهای پیکار پیگیر و خستگی ناپذیر و بی امان خود را علیه فاشیسم خلق و منافع ملی ایران، با خون پرداخته است، این بار نیز خون بهترین فرزندان آن را طلب می کنند .

این بار ارتجاع ددمنش، آشنائی را به عاملان اجرای اهداف شوم خود، به جلادی شایسته ترین فرزندان طبقه کارگر قهرمان میهن ما تعیین کرده است، که روزی با ادعای دفاع از منافع زحمتکشان به صحنه آمدند و با وده های خود اعتماد خلق را بدست آوردند .

تسکین عطش ارتجاع، غارتگران داخلی، ضد انقلاب و امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا با خون شایسته ترین و قداکارتترین فرزندان طبقه کارگر ایران، رهبران و اعضای حزب توده ایران، با خون دانشمندان و هنرمندانی که ارزش تاریخی - جهانی دارند، که ناشبان در قلوب همه انسانهای ضد امپریالیسم و آزاد یخواه جهان نقش بسته است و حراست می شود، لکنکی است بر دامن آشنائی که ادعای راهبری خلق و پیروی از حق را می کردند .

تسلیم طلبان، که اهداف ولای انقلاب ۲۲ بهمن را فدای منافع زران می کنند، با قدم گذاشتن به جای پیای محمد رضاها، نمیریها، سو - هارتوها و پینوشهها، تنگ ابدی را برای خود می خردند و " عدالت " خود را به سخره میگیرند و خود را به انوشیروان " دادگری " تبدیل می سازند، که برای توجیه جنایت خود علیه خلق و تیغ کشیدن بر روی مزدک بامدادان زنجیر

به آذر خشان در بند

از گلوگاه شکنجه
قطره قطره میچکد خون
بر تن کیود تاریخ میهن ما
ایران .

و ما درختان تازه پا،
در یاد بود شمایان

سبز و سبزر تر میروئیم،
ای یاران!

آه رفیقان، کوش کنید داوری مردم را!
پیری می گویند:

نه او نبود، آنها نبودند،
می شناسم آنان را

باغبان گل را خوب میشناسد!
زنی با نگاه پیریش می گوید:

مادر کودکش را می شناسد،
از کنار بساط روزنامه فروش می کند گذر!

و دهقانی کرده عبوس چهره اش را،
گویی در عمق حزن یک شب

همه چیزش را رپوده است رویاه .
کارگری زمزمه می کند

و نوای آرامش چون عطر افاقیا در فضا پخش میشود:
به پتکم

به رنجم
به شادیم

به صرق پیشانیم
دروغ است !!

و می پیماید راه آزادی خیابان را
گرم میخواند زیر لب :

حزب ما توده را سازد پیروز
می رسد فردائی از پس امروز

رفیقان، آذر خشان!
مشعل افروخته تان
اینک در دست ماست

باشید سرفراز
درفش حزب می ماند همچنان بریندی های البسرز در

اهتزاز،
و گل حزب همچنان خواهد روئید

بر دستان پاک کارگران،
بر شیار عمیق پیشانی دهقانان،

و بر تیغ نگاه میهن ما ایران!

محاكمة استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

آنها اکنون که با تسلیم طلبی خود به قربانی کردن مواضع و منافع زحمتکشان در محراب سرمایداران و بزرگ زمینداران مشغولند، و هر روز بیشتر با ناراضی و واکنش منفی زحمتکشان روبرو می شوند، بجای تصحیح سیاست خود - اعتماد به خلق و یازگشت به دامن آن - با تدارک این " دادگاه " در واقع تدارک محاکمه خواستهای خلق را می بینند .

در این بیدادگاه خواست استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی محاکمه خواهد شد .

در این بیدادگاه بهترین فرزندان طبقه کارگر، پیگیرترین مدافعان استقلال میهن و منافع ملی ایران باردیگر به پای میز محاکمه کشانده می شوند .

تسلیم طلبان، که با بروز بی استعدادی شکست انگیزی از خود در درک توطئه های براندازی امپریالیسم و ضد انقلاب، دستاورد های انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما را به بساد می دهند، اکنون هر روز بیشتر به چویدست بازی خورد و آگاه راستگرایان برای سرکوب خواستهای بحق زحمتکشان تبدیل می شوند .

تسلیم طلبان، که نخواستند و نتوانستند با دفع فشار و شانناز راستگرایان و ضد انقلاب و امپریالیسم راه بهروزی را برای خلق باز کنند، و جز پند و اندرز، موعظه و نصیحت برای پلنگسان تیز دندان و توجیه چپاول بی بند و بار غارتگران سخنانی ندارند و طلب آب و نان را توسط محرومان، با پاسدار و " نارالله " پاسخ می دهند و آنها را " ضد انقلاب " می نامند، به راهی قدم می گذارند، که جز انفراد و شکست برای آنها عاقبتی ندارد .

مایروز خواهیم شد

تمام این جنایات شوم، چه در گذشته و چه اکنون، چه به دست برافتادگانی از نوع محمد رضا شاه و چه به دست آشنائی که خود را حاکم ابدی بر سرنوشت خلق تصور می کنند، راه بهروزی

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می دهند

بقیه از صفحه ۱

پشتیبانی کمونیستها اتحادیه های کارگری، محافل مترقی ایرلند، اسکاتلند و انگلستان از حزب توده ایران

در جشن پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایرلند، دبیر کل حزب در نطق افتتاحیه خود، ضمن محکوم نمودن فشار و تضيیقات علیه حزب توده ایران، پشتیبانی همه جانبه کمونیستهای ایرلند را از حزب ما، اعلام نمود. در این مراسم، غرقه، حزب توده ایران مورد بازدید و توجه حضار قرار گرفت. اکثریت یازدید کنندگان و منجمله، اکثریت اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایرلند، قطعنامه ای اعتراضی در مورد اعمال فشار به حزب توده ایران را امضاء نمودند.

در سرمقاله روزنامه "اتحاد"، ارگان حزب کمونیست ایرلند، بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب، بر همبستگی همه جانبه با حزب توده ایران تأکید شده و سرکوب کمونیستها در کشور ما، محکوم گردیده است.

سما این نشریه، قبلا متن کامل اعلامیه "کمیته برون مرزی حزب توده ایران" را در مورد شکنجه رفقای رهبری، بچاپ رسانیده بود.

رهبری حزب کمونیست ایرلند، همچنین از کلیه اعضا، فعالین اتحادیه های کارگری و افراد مترقی خواسته است که صدای اعتراض خویش را علیه سرکوب حزب توده ایران و اعضای آن، بگوش مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران برسانند.

اعضای حزب کمونیست ایرلند در ویلین، ضمن امضای طوماری، خواهان پایان دادن به رفتار وحشیانه در مورد مبارزین در بند توده ای شدند.

تأم رد موند، عضو هیأت اجرائی "فدراسیون اتحادیه های کارگران ایرلند"، تجاوز به حقوق دمکراتیک مردم ایران و حمله وحشیانه به حزب توده ایران را محکوم نموده است.

ادوارد استوارت، منشی انجمن حقوق مدنی در ایرلند شمالی، اعمال تضيیقات در مورد حزب توده ایران را محکوم نموده و آزادی کلیه مبارزین در بند را خواستار گردیده است.

گروهی از استادان برجسته دانشگاه و کادر مترقی تعلیم و تربیت در اسکاتلند و انگلستان، ضمن ابراز تنفر از رفتار وحشیانه با اعضای حزب توده ایران، خواستار قطع فوری شکنجه ها و آزادی بلاد رنگ این مبارزین شدند.

اعضای حزب کمونیست بریتانیا در بیرمنگام، با

امضای طوماری، خواستار پایان دادن به اعمال سرکوبگرانه علیه حزب توده ایران و قطع فوری شکنجه های جسمی و روانی در مورد رهبران و فعالین آن گشته، آزادی بلاد رنگ آنان را خواستار گردید مآند.

● شعبه اتحادیه کارگران حمل و نقل انگلستان در بیرمنگام، قطعنامه ای صادر کرده است که در آن ضمن ابراز پشتیبانی از اهداف انقلاب مردمی ایران، اعمال روشهای وحشیانه در مورد اعضای حزب توده ایران را، شدیداً محکوم کرد و عقید کرده است که مسئولیت هرگونه صدمه جسمی و روحی به این مبارزین، بعهدۀ مقامات ج ۱۰۱۰ خواهد بود.

● اتحادیه کارگران و تکنسین های ساختمان انگلستان در بیرمنگام، طی ارسال نامه ای به سفارت ج ۱۰۱۰، نسبت به رفتار غیر قانونی در مورد اعضای حزب توده ایران، شدیداً

رفیق تند سلیر ستایم، صدر سازمان ایالتی حزب کمونیست آمریکا در ویسکانسین، سخنانی پرامون مسأله جنگ صلیبی ریگان علیه کمونیسم و نقشی که دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده ایران در این چهارچوب بازی می کند، ایراد کرد. آنگاه وید توفیلیم "اقرارین" بنمایش گزارده شده که در آن آثار شکنجه در چهره و حرکات رفقای رهبری، بعیان دیده میشد.

شرکت کنندگان در جلسه، سپس، با بحث و گفتگو در این باره، همبستگی همه جانبه خویش را با زندانیان توده ای اعلام نمودند.



آری، یک روز تما میبردگان به پرواز خواهند آمد پرواز به دیارهای خوشبختی دیار آزادی، دیار بری، دیار دردی دیار سبیدیها و روشنیها و راه دنیا یقا ریکیها و جهالت ها و تا آنروز، دستان توست که با لها میبرنده را می نوازد و اندیشه ی توست که پرواز را می سازد با تو می برنده.

خرداد ۶۲

حزب کمونیست اطریش همبستگی خود را با توده ایهای در بند باردیگر مورد تأکید قرار داد

فرانس موری، صدر حزب کمونیست اطریش، همبستگی کمونیستهای اطریش با توده ای های در بند، یکبار دیگر مورد تأکید قرار داده و عطیه پیگرد مبارزین توده ای شدیداً اعتراض کرد.

رهبر حزب کمونیست اطریش خاطر نشان ساخته است، که این اقدامات تنها در جهت منافع امپریالیسم است، که تلاش دارد ایران را تحت سلطه خود بگیرد. وی در ادامه خاطر نشان ساخته است که:

"کمونیستهای اطریش یکبار دیگر همبستگی خود را با رفقای ایرانی ابراز داشته و خواهان آنند که پیگرد علیه آنان هرچه زودتر متوقف شده و همه توده ایهای در بند از زندان آزاد گردند."

فرانس موری تأکید کرده است که:

اعتراض نموده است.

دفاع نماینده زحمتکشان آمریکا از زندانیان توده ای

نورمن راث، رئیس سابق شعبه اتحادیه کارگران اتومبیل سازی شهر شیکاگو و عضو هیأت مدیره نشریه، "کارگر امروز" یکی از نشریات کارگری آمریکا، طی نامه ای به خانمهای رئیس جمهور، به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران و دیگر نیروهای دمکرات اعتراض کرده و خواستار آن شده است که یک هیأت بین المللی از این زندانیان دیدار کرده و آنان را مورد معاینه پزشکی قرار دهد.

● روز جمعه بیست و پنجم ژوئن (چهارم تیر ماه)، "کمیته دفاع از زندانیان توده ای"، در شهر میلی واک، واقع در ایالت ویسکانسین آمریکا جلسهای بمنظور دفاع از مبارزین در بند حزب توده ایران برگزار نمود. در این جلسه،

«نبرد که برکه» یک واقعیت انکارناپذیر!

بقیه از صفحه ۱

این را هم نیافتانده که سادترین مشکلات جامعه را که از جمله مسئله گرانی است، برطرف سازند.

نکته دومی که می‌توان از این اظهارات و جدلهای لفظی دریافت، اعترافی است که بطور ضمنی مطرح میشود، و آن اینست که برخلاف ادعای دروغین راستگرایان و تسلیم طلبان، حزب توده ایران حاصل ایجاد اختلاف در بین آنها نیست، بلکه این اختلافات پایه‌های روشن طبقاتی دارد.

تضاد منافع طبقاتی موجب شده است که کلان-سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و نمایندگان راستگرای آنان در حاکمیت برای تصاحب کامل قدرت و پیشبرد سیاست خود وارد صحنه شده و با اقتدار میانه و نمایندگان تسلیم طلب آنها در یک نبرد که برکه انکارناپذیر درگیر شوند.

این "نبرد که برکه" را که امروز در سطحی دیگر نسبت به دیروز انجام می‌شود و بخاطر تسلیم طلبی نیروهای دوم در شرایط سخت‌تری برای آنها جریان دارد، فقط کوردلان و مصلح‌مغرضین نمی‌بینند.

آیا مسئله گرانی، مسئله مرکزی در این نبرد است؟

نیروهای راستگرا و حامیان آنها در حاکمیت جمهوری اسلامی، که خوب آموخته‌اند، که چگونه از توطئه‌های براندازی امپریالیسم همانند تداوم جنگ علیه منافع خلقهای ایران و عراق بسرای تحکیم و توسعه مواضع خود استفاده کنند، اکنون میکوشند توطئه براندازی ناراضی تراشی را، که ایجاد نگرانی، گرانفروشی و احتکار جزئی از آن است، به وسیله تصاحب کامل حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تبدیل سازند.

آنها می‌کوشند با کمک "باند های سپاه قدرت طلب و تروریست های اقتصادی" (نخست وزیر اطلاعات ۱۹ تیرماه)، که مورد پشتیبانی وزیر، معاون وزیر، وکیل مجلس و برخی از اعضای شورای نگهبان هستند، به این هدف فخر خود دست یابند.

سیاست فعلی نیروهای راست از این قرار است، که با دامن زدن به غارت زحمتکشان توسط این تروریست های اقتصادی، یک وضع انفجاری را در کشور ایجاد سازند، تا بتوانند بی‌لگایستی دولت و رئیس آن را برای برطرف ساختن بحران حاکم بر جامعه بهانه قرار داده، خود حاکمیت را بطور کامل در دست گیرند.

از این جهت تمام کوشش آنها صرف این میشود، که از یک سو به گرانی و احتکار دامن زنند و از سوی دیگر القا کنند، که تنها مسئله جامعه ما مسئله گرانی و "غول" گرانفروشی است.

هدف آنها از این القاعات آنست، که توجه

نه فقط بر دست ها و زبان ها قفل زند، بلکه فکر کردن، اندیشیدن، علم و دانش را هم به غل و زنجیر بکشند، تا بگمان خود حاکمیت خود را ابدی سازند.

آنها برای رسیدن به این اهداف شوم و سیاه خود، از بکار بردن هیچ شیوه‌ای، از ایجاد هیچ "کوتاهی قدرت طلب" و "تروریستی"، کوتاهی نخواهند کرد! نه از قانون شکنی، نه شکنجه، نه اعدام و زندانی کردن مخالفان خود دست نخواهند کشید.

اما سوآلی که زحمتکشان میهن ما مطرح می‌کنند، آنست که چرا تسلیم طلبانی که به دهان های پر از وعده به خلق، اعتماد خلق را بدست آورده، در این توطئه براندازی شرکت می‌کنند؟ چرا آنها با عدم اعتماد و مراجعه خود به خلق و با عدم کمک طلبیدن خلق، راه خود را از راه راستگرایان جدا نمی‌کنند؟ چرا سازمانهای ضد انقلابی همانند حجتیه، فراماسونری، روتاری و غیره را بر ملا نمی‌کنند، و آنها را بر نمی‌اندازند، ماسلان غارتگری را از وزارت خانه‌ها و ادارات و نهادها بیرون نمی‌ریزند و آنها را به دست قانون نمی‌سارند؟ و از این طریق راه را بسرای اجرای اصول مترقی و روح مردمی قانون اساسی، که می‌تواند تضمینی برای یک راه رشد مردمی در جامعه عقب نگاه داشته شده میهن ما باشد، باز نمی‌کنند؟

زحمتکشان سوآل می‌کنند، که آیا تسلیم طلبان با جدا کردن قاطع خط خود از خط راستگرایان به شرکت خود در توطئه براندازی انقلاب پایان خواهند داد؟

بدون قاطعیت انقلابی، بدون بازگشت به اهداف اولیه انقلاب، بدون پایبندی به قانون و کمک گرفتن از خلق ایثارگر، بدون آزادی برای رفقای در بند ما و فعالیت آزاد دگراندیشان مدافع انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما، تسلیم طلبان نه فقط قادر نخواهند شد آینه شده بهتری را برای زحمتکشان - آنطور که آقای نخست وزیر به کارندان دولت وعده می‌دهند (اطلاعات ۱۹ تیر ۶۲) - تأمین کنند، بلکه کل انقلاب را فدای سردرگمی و کوته بینی و انحصار طلبی خود نموده و ننگ ابدی و تاریخی را برای خود ایجاد خواهند کرد.

زحمتکشان را از مسئله مرکزی دور سازند. مسئله مرکزی، که مدار تمام مشکلات فعلی میهنی ما، از گرانی تا بین برتاگی، از قانون شکنسی تا خفقان است، آنست که ابزار حاکمیت هر روز بیشتر و بیشتر در اختیار آن نیروهای قسار می‌گردد، که میخواهند به میهن ما راه "رشد" سرمایه‌داری را تحمیل کنند، و ایران را بطور کامل به جرگه کشورهای وابسته به امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بکشاند و پایه‌های مترزلزل شده راه "رشد" سرمایه‌داری را در ایران، که همان "راه" آریامیری با لباس "شرعی" است، دوباره تحکیم کنند.

در ایجاد و تقویت این هدف، نیروهای راست بعنوان عوامل آگاه راندن میهن ما به بن بست "رشد" سرمایه‌داری، نقش ایفا می‌کنند و تسلیم طلبان به عنوان پاد و کمک آنها در این توطئه براندازی شرکت می‌کنند.

اگر آقای نخست وزیر سالم نبودن "کانال-های توزیع" (همانجا) را علت این غارتگری می‌دانند، باید این را هم بدانند، که باسکوت خود در این مورد که این "کانال های توزیع"، همان "کانال های توزیع" سرمایه‌داری هستند، هم خاک بر چشم زحمتکشان می‌باشد و هم خود - خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه - در این توطئه براندازی انقلاب شرکت می‌کنند!

چرا در توطئه براندازی شرکت میکنید؟

راستگرایان، سرمایه‌داران و نمایندگان آنها خود خوب می‌دانند، که حتی در یک کشور سرمایه‌داری وابسته هم ادامه یک چنین غارت بی بند و باری ممکن نیست و بالاخره کار را به انفجار اجتماعی خواهد کشاند. لذا آنها هم می‌کوشند به اصطلاح چاره اندیشی کنند و گویا "کانال های توزیع سالمی" را ایجاد کنند. در این مورد آقای نخست وزیر هم راه دوری نخواهد رفت اگر همراه آنها بروند و شیوه‌های آنها را برای این راه حل پیشنهاد کنند.

هدف توطئه براندازی راستگرایان، که به دست "باند های سپاه قدرت طلب و تروریست های اقتصادی" (نخست وزیر، اطلاعات ۱۹ تیر ماه) اجرا میشود، روشن است.

آنها می‌خواهند تمام دستاورد های انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما را باز پس بگیرند و حتی چیزی بیش از آن.

آنها میخواهند در لباس "شرع" و "موازیین شرعی" غارت بی بند و بار کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان را ممکن سازند و سلطه شوم پلیسی را بر خلق حاکم کنند، تا این غارتگری را به خیال خود همیشگی نمایند.

آنها میخواهند با خفقان سپاه قرون وسطایی،

توسل به زور در مبارزه

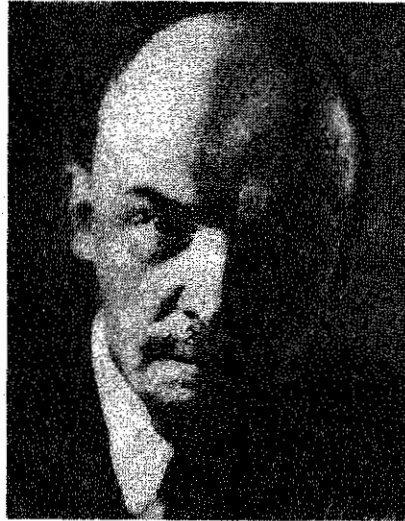
بقیه از صفحه ۹

ضد بشری شاه را فراموش نمی‌کند و در ادامه کاری صداقت بی‌مانندی از خود نشان می‌دهد. یک سال بعد آقای مهدوی کنی در خطبه نماز جمعه (۱۶ اردیبهشت ماه ۶۲) با نقل اصل ۲۶ قانون اساسی گفت:

"از اوایل انقلاب پیدا بود که اینها به این اصول پایبند نیستند و این اصول را قبول ندارند. ما از اول احساس می‌کردیم که این انقلاب طبعش اینها را نمی‌پذیرد."

آنچه از نخستین روز پیروزی با طبع میراث‌خواران انقلاب سازگاری نداشت، جهان بینی تحسب توده ایران بود.

۸۰ سال حزب بلشویک لنینی، ۸۰ سال مبارزه در راه صلح و سوسیالیسم



کمونیستها و تمام زحمتکشان اتحاد شوروی، مبارزان راه بهرزی و بهرستی بشریت مبارزان راه صلح و پیشرفت اجتماعی، ۸۰ سالگرد تشکیل حزب بلشویکهای لنینی، حزب کمونیست اتحاد شوروی را گرامی میدانند. تاریخ بزرگاری دومین کنگره حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه، به مثابه تاریخ تاسیس این حزب پر عظمت و پر افتخار محسوب میشود. لنین گفت: "بلشویسم به مثابه یک جریان اندیشه سیاسی و حزب سیاسی از سال ۱۹۰۳ وجود دارد." (جلد ۴۱، ص ۶)

سازمان کوچک انقلابیون مارکسیست که از کنگره دوم پیروز شدند بیرون آمد، در طی این ۸۰ سال راه پر پیچ و خم مبارزه و بهرزی، و آنگاه از ایثار و رشادتها را پشت سر نهاده و به حزبی پر قدرت، متحد و آماده بدل شده است. حزب بلشویکها اولین حزب طراز نوین طبقه کارگر است که بر پایه دفاع از نظریات انقلابی مارکس و ایدئهای لنین تشکیل شده و همواره آموزشهای جهاتشامل و دوران ساز مارکس، انگلس و لنین را راهنمای عمل خود قرار داده است؛ و بدون افتادن در کوره راههای رویزیونیسم، اپورتونیسم و دکامتسمو در مبارزه پیاپی علیه این نظریات انحرافی، آموزش رهایی بخش پر لتری را همواره متکاملتر ساخته است. این حزب توانست با پیوند دادن تئوری انقلابی و عمل انقلابی و تجربه گیری خلاق از عمل انقلابی توده ها و سیر پروسه های اجتماعی اعتماد بیکران خلق را کسب کند و از این طریق رهبری را در پی ریزی جامعه سوسیالیستی، حفظ و ستاورد های انقلاب اکبر و به پیش راندن جامعه بسوی کمونیسم بدست گیرد. با گذشتن از مصائب جنگ میهنی خانانان، که کمونیستهای اتحاد شوروی همواره در صف مقدم جبهه آن قرار داشتند، و بر ویرانه های باقی مانده از آن جامعه پیشرفته سوسیالیستی بنا شد، کار خستگی ناپذیر و رشادتهای نسلهای متعدد کمونیستها و مردم شوروی نتیجه خود را داد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی تکامل هر چه بیشتر جامعه پیشرفته سوسیالیستی را از طریق رشد نیروهای مولده، تکامل و تحکیم مناسبات جمع گرایانه، دمکراسی و نظم سوسیالیستی، رشد آگاهی سوسیالیستی، فرهنگ و علم، محتوی عمده فعالیت خود قرار داده است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در تمام مراحل تاریخی خود بهرزی و سعادت زحمتکشان را در سرلوحه برنامه خود گذاشته است. بدین منظور، حزب تلاشهای فراوانی در جهت تقویت بنیه اقتصادی، رشد بازدهی کار و بالا بردن سطح زندگی مردم انجام میدهد. و بدین خاطر است که

وحدت خلل ناپذیر حزب و خلق، به سرچشمه اصلی شکست ناپذیری اتحاد شوروی، این دست نیرزمند صلح و سوسیالیسم تبدیل شده است. حزب کمونیست اتحاد شوروی اگرچه خصیلت پر لتری خود را با قدرت تمام حفظ کرده است ولی دیگر حزب فقط کارگران نیست و حزب به تمام خلق تعلق دارد. حزب کمونیست اتحاد شوروی با موفقیت در ساختمان جامعه نوین و تحکیم پایه های سوسیالیسم واقعا موجود، تاثیر بسزایی در روند انقلابی جهان داشته است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی همواره به انترناسیونالیسم پر لتری وفادار مانده و بزرگترین پشتیبان نیروهای مترقی، احزاب کارگری و کمونیستی و جنبشهای آزاد بیخشم ملی در سراسر جهان بوده و هست.

کوششهای این حزب در راه تنش زدایی، حفظ صلح و جلوگیری از خطر جنگ هسته ای، در جهان نمونه وار است. فعالیتهای حزب کمونیست اتحاد شوروی در خدمت تحقق حق زندگی برای بشریت است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی همواره از جنبش انقلابی مردم ایران حمایت کرده و هر چه در توان داشته در جهت برقراری روابط دوستی و حسن همجواری میان دو کشور همسایه انجام داده است.

دوستی و روابط برادرانه و برابر حقوق میان حزب توده ایران و حزب کمونیست اتحاد شوروی که بر پایه اندیشه های مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پر لتری بنا شده، از سنت دیرینه و درخشانی برخوردار است. تمام توده هایها و تمام پیروان راستین سوسیالیسم علمی در ایران به داشتن چنین دوستی افتخار کرده و همسراه کمونیستهای اتحاد شوروی و تمام نیروهای مترقی جهان سالگرد تاسیس آنها گرامی میدارند.

نامه خوانندگان

رفیق علی، از برلن غربی می نویسد: به همه آن نابکاران "سیا" چهره چه سرباز "گنم" باشد چه ارتشبد فردوست بگوئید که: "حزب آن اندیشه زندگی سازی است که در جان عاشقان رهایی و آزادی بشریت رخنه می کند به آنها بگوئید که صفا ما دیروز تشکیل نشده که امروز از هم پاشیده شود. سنگر ما از هابیلان زمانه شروع شد. در مصر بردگان را گرد آورد. همراه با اسپارتاکوس قیام بردگان را سازمان داد و به دورانی، حلاجها در ما جای گرفتند تا به مزدک و بابک رسیدیم. سالها سال پیش، از ما کوسا ساخته شد. آنگولا خلق شد و هوشی مین وار از ویتنام سر در آوردیم. گاهی نیز چون چهگوارا قلبمان آماج دشنه زهر آلودی شد. حزب ما آن آوازه ها و نامه های عاشقانه ای است که علیه ستم طبقاتی و برای رهایی زحمتکشان به فریاد بدل گشته است. ما همچون اقیانوسها در سراسر جهان گسترده ایم.

نه میسریم و نه خشک می شویم.
۸۳/۶/۱۰

نامه زیر، از دست تازه از راه رسیده ای همراه با مقداری کمک مالی به "راه توده" رسیده است.

با آنکه در میکده را باز بستند
با آنکه سیوی می ما را بشکستند
با آنکه گرفتند زلب توه و پیمان ز دستم
با محتسب شهر بگوئید که هشدار
هشدار که من مست می هر شبه هستم

رفقای عزیز، رفقای گرامی دستم از راه دور دست تک تکتان را می فشارد و همتان را فرق بوسه می کنم بعد از مدتی دوری از وطن و در نتیجه حزب قهرمان غرقه به خونمان دوباره راهم را پیدا کردم، راه توده را ۰۰۰ کی خودتان را پیدا خواهم کرد؟ به همراه نامه ام آنچه را که می توانم اکنون کمک کنم، می فرستم امید وارم خیر رسیدنش جای!! چاپ شود.

با امید و ایمان به بهرزی حزمان
علی

دوست عزیز ع - از دست و دلسد و رف، مقاله شما با عنوان "انقلاب در ورطه شکست" رسیده. چنانکه شما به درستی خاطر نشان کرد اید، تشکیل جبهه متحد خلق و اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی ممکن است، و باید در این جهت با تمام توان کوشید.

دوست عزیز می طلبی با عنوان "زنان فعالان و متحد بخاطر صلح، در راه زندگی و علیه جنگ هسته ای می رزمند" برای "راه توده" ارسال داشته است که از آن استفاده خواهد شد.

حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی نیرومندترین و صادق ترین پشتیبانان جنبش انقلابی همه خلق های جهانند

مانون شکنی بی پرده علیه توده ایهای دربند

بقیه از صفحه ۱

در این اواخر اخبار گوناگونی درباره قتل عدای از اعضای حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، زیر شکنجه های قرون وسطایی و نیز اعدام برخی دیگر در سراسر جهان پخش شد. محافل سیاسی، سکوت مقامات رسمی و خودداری آنان را از تکذیب و یا تأیید اخبار مذکور، گفته های تأییدی، ارزیابی کردند. اظهارات آقای لاجوردی نخستین عکس العمل مقامات رسمی قضائی جمهوری اسلامی در این زمینه است و بهمین علت نیز حائز اهمیت فراوانی می باشد. اتهامی که آقای لاجوردی این بار به اعضای حزب توده ایران وارد میسازد و جزای آن را سپردن انسانهای بی گناه به جوخه های اعدام می داند، مانند اتهامات شاهانه در گذشته، کاملاً بی محتوی و عیان تهی است.

همه به خاطر دارند، بلافاصله پس از هورش از قبل سازمان داده شده به منازل مسکونی اعضای حزب توده ایران در تهران و دیگر شهرها، تبلیغات دامنه داری در توجیه این عمل قهرآمیز قانونی و ضد انسانی آغاز شد. چه اتهامات واهی که به اعضای حزب توده ایران نزدیک است.

اعضای یکی از میهن دوست ترین احزاب سیاسی را متهم به "جاسوسی" کردند گفتند حزب توده ایران در صدد "کودتای کمونیستی" بود. مدعی شدند حزب ما در ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی رسوخ کرده است. وعده دادند، اسناد و مدارک دال بر نفوذ حزب به ارگانهای دولتی را منتشر سازند. و همه این اتهامات زمانی مطرح گردید، که هنوز بازجویی از دستگیر شدگان آغاز نشده بود.

حاکمیت راستگرا و تسلیم طلب جمهوری اسلامی، که شب و روز از مراعات موازین قانونی سخن می گوید و معتقد است، کمباید معیارها تحت تأثیر بغض و کینه و مقاصد گروهی قرار گیرد، با این اعمال ناپسند و مردود، دانسته و فهمیده اصول صریح قانون اساسی در مورد حقوق شهرت و تدان را زیر پا می گذارد.

در کدام کشور اسلامی و غیر اسلامی، زندانی را قبل از محاکمه قانونی متهم به انواع جنایات می کنند؟ این روش با ابتدائی ترین موازین حقوقی مورد قبول در سراسر جهان مغایرت آشکار دارد. سران جمهوری اسلامی با انتخاب این طریقی مطرود به ارث رسیده از رژیم منحط ستم شاهی، از همان روز نخست توده ایهای دربند را به اشد مجازات محکوم ساختند. بدیهی است، در چنین شرایطی نمی توان از عدل و حق و داد، که اینهمه درباره اش در افشانی می شود، سخن به میان آورد.

گذشت زمان، کذب اتهامات و حقایق حزب توده ایران را به ثبوت رسانده، اکنون حتی خود سران جمهوری اسلامی نیز دریافته اند، که نتوانستند به اهداف اولیه خود دست یابند. نمایشنامه "جاسوس گیری" مأمورین ساواک در

خدمت جمهوری اسلامی ایران با شکست قطعی روبرو گردید. افکار عمومی در میهن بلاکشیده مسا به حق، آنچه را که نیروهای قشری و جزم اندیش برای وارد آوردن ضرر به حزب توده ایران رشته بودند تکذیب کرد و مظلومیت حزب ما برای همگان مبرهن شد.

مبارزه جناحهای گوناگون هیئت حاکمه بر سر قدرت، عامل عمده یورش سبعمانه به حزب توده ایران است. بهیچوجه تصادفی نیست، که دستگیری اعضای حزب ما با پیروزی مرتجعترین جناحها در حاکمیت همزمان شده در چنین جوی دارندگان اهرمهای مملکتی مجبور بودند برای واقعیات تعبیراتی بتراشند و به دعاوی بی مدرکی روی آورند.

در کشور ما مبارزه گسترده های بر سر انتخاب راه رشد آینده در جریان است. هیئت حاکمه سعی دارد تا وجود اختلافات ظرف در جامعه را پرده پوشی کند. ولی این حقیقت به اندازه ای گویا است، که نمی توان آنرا در لغافه کلمات و جعلیات پنهان ساخت.

از فردای روز پیروزی انقلاب شکوهمند مردم، نیردی بی امان و بس بخرنج، پیرامون مسئله حیاتی تداوم انقلاب در جریان بود. در ایسن نبرد و گروه مقابل هم قرار داشتند. از سوئی نیروهای ملی و مترقی، اعم از مذهبی و غیرمذهبی و از سوی دیگر ارتجاع داخلی و حامیان امپریالیست آن. اگر اولی خواهان تداوم انقلاب در مسیر تأمین خواستهای برحق زحمتکشان بود و طفره رفتن از راه رشد سرمایه داری را پیشنهاد می کرد، دومی با تمام قوا می کوشید دستاورد های انقلاب را در خدمت احیاء نظام مطرود سرمایه داری به ارث رسیده از رژیم منکوب شده، قرار دهد. حزب توده ایران بنا به رسالت تاریخی خود، خواهان استقرار چنان نظامی است، که در وهله نخست منافع توده های میلیونی زحمتکشان،

به مثابه عمده نیروی محرکه انقلاب را در نظر گیرد. حزب ما از بد و تشکیل در این راه مبارزه کرده، می کند و خواهد کرد. و این یگانه گناه نابخشودنی "حزب توده ایران است. نیروهای راستگرای قشری نمی توانستند با ایسن موضع اصولی حزب ما سر سازش داشته باشند. موضع حزب توده ایران هم با مصالح ایسن گروه و هم با منافع آزمندان امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم یانکی در تضاد است. قبل از هر چیز مواضع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی این گروه است، که آنرا به متحد بالقوه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و مآلا پیسه همدست امپریالیسم تبدیل می کند.

اشتباه خواهد بود، اگر تصور شود با حمله وحشیانه به حزب توده ایران می توان تضاد حاد حاکم بر جامعه را از بین برد. بسا سنگینی وزن راستگرایان و اعمال امپریالیسم در حاکمیت، تضاد بین اهداف ذهنی نظام حاکم که می خواهد به نام همه "مستضعفان" سخن گوید و نتایج عینی سیاست آن در عمل، کسه در جهت منافع کلان بازرگانان، سرمایه داران، بوروکراتیک، قشر معینی از بورژوازی صنعتی و بزرگ زمینداران سیر میکند، بیش از پیش، ژرفتر می شود.

آنچه در این میان پیروز خواهد شد منطبق با امان تاریخ است، که بدست توده های زحمتکش راه خود را خواهد گشود. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، نیز همدوش دیگر نیروهای ملی و مترقی، در این راه مقدس و پسر افتخار گام بر می دارد.

بهمین دلیل دفاع از توده ایها و دیگر میهن پرستان دربند و مبارزه در راه نجات آنان، که با خطر مرگ روی در روی هستند، وظیفه وجدانسی و میهنی همه مبارزان راه آزادی و سعادت مردم ایران است.



۳۰ تیر - روز اتحاد پیر و زمند خلق علیه ارتجاع و امپریالیسم

ایران میگذرد، در سالروز ۳۰ تیر، همان تجربه بزرگ را طلب می‌کند: "اتحاد"! اکنون جنبه امپریالیسم - ارتجاع بار دیگر متحد شده و به شیوه‌های گوناگون در جریان نابود کردن انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران است. ما در این شرایط بسیار حساس به باردیگر پیشنهاد خود را برای تشکیل "جنبه" متحد خلق" تکرار میکنیم و اعلام میداریم، که تنها اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک میتواند توطئه‌های امپریالیسم را نقش بر آب و ریشه‌های آنرا برای همیشه از خاک وطن ما قطع کند.

درک نکردن اهمیت اتحاد نیروهای ضد امپریالیست و مردمی، در روزی که خون صدها شهید ضرورت این اتحاد را به اثبات رسانده، در واقع درک نکردن یک درس بزرگ تاریخی است.

امپریالیستی - چه انگلیسی و چه آمریکایی - می‌تواند پیروز شود. (تجربه ۲۸ مرداد ف.م. جوانشیر)

اینک یک بار دیگر مردم میهن ما شاهد تکرار این تجربه بزرگ و تلخ تاریخ است، که چگونه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی بوسیله راستگرایان و بدست تسلیم طلبان به ورطه شکست کشانده میشود.

با پیروزی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مردم بدرستی دریافته‌اند، که مقابله با ارتجاع هاروتا دنداندار مسلح و امپریالیست‌های حامی آن به تنهایی از عهده هیچ حزب، دسته، جمعیت و شخصیتی ساخته نیست. تنها وثیقه پیروزی یگانگی و وحدت عمل همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست است.

اکنون تاریخ، در لحظات سرنوشت‌سازی که بر

سی و یک سال از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ می‌گذرد. روزی که خلق دلاور ایران با اتحاد نیروهای خود، توطئه ننگین امپریالیسم و شبه کودتای ننگین شاه - قوام را در هم شکست، یکبار دیگر این تجربه تاریخی بزرگ را به اثبات رسانده، که هیچ نیرویی نمیتواند نیروی متحد خلق را در هم بپشکند.

با اوج جنبش ضد امپریالیستی خلق‌های ایران در سالهای ۳۰-۲۰ برای قطع دست امپریالیسم انگلستان از منابع نفت میهن ما و بازتاب آن در میان خلق‌های درین منطقه، امپریالیستها به هراس آمدند. و به همین علت آنها برای انجام کودتا به توطئه چینی نشستند. حوادثی که در تیرماه سال ۳۱ در کشور ما روی داد و در سی‌ام تیر به اوج خود رسید نشان دهنده دسیسه بازیهای استعمارگران و

عمل سرسپرده داخلی‌شان می‌باشد.

جنبه ملی در اثر عدم قاطعیت در افشای دربار و مبارزه با توطئه‌های آن و امپریالیسم، نتوانست در مجلس هفدهم اکثریت قاطع آراء را بدست آورد و در جریان کار مجلس، عدلهای ناماینده‌گان را که تغییر موضع داد، نبودند، نیز از دست داد. مجلس در برابر دولت قرار گرفت، از جمله با دادن اختیارات شش ماهه به دکتر مسسوق مخالفت کرد. این موضوع و مخالفت شاه با واگذاری تصدی وزارت جنگ به مصدق موجب شد که لودر ۲۶ تیر ۱۳۳۱ از پست نخست وزیر استعفا دهد. فردای آنروز، ۲۷ تیر ماه، مجلس با حضور فقط ۴۲ نفر رأی تمایل خود را به نخست‌وزیری قوام داد. قوام، ایمن کهنه مزدور استعمار در نخستین پیام رادیویی خود اعلام کرد که:

"کشتی بان را سیاستی دگر آمد! او به این وسیله خواست از مردم زهر چشم بگیرد، بی آنکه از نیروی پرتوان خلق آگاه باشد.

"جمعیت مبارزه با استعمار" برای اعتراض علیه این تصمیم خود سرانه مجلس در روز ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱ مردم را برای تظاهرات در ۳۰ تیر فرا خواند. روز سی‌ام تیر فرا رسید. زنان و مردان ضد استعمار، قطع نظر از اختلافات مسلکی برای واژگون کردن دولت "قوام" و علیه مداخلات غیر قانونی شاه، دوش بدوش هم به میدان نبرد پا نهادند. فریاد خروشان "مرگ بر شاه"، "ملت پیروز است" آسمان ایران را می‌آکند. رگبار مسلسل‌های دژخیمان شاه و امپریالیسم، خون مردم آزاده را بر سنگفرش خیابانها نقش میکند. سرانجام با شرکت متحد و مشترک تمام محافل ضد استعماری و ملی در این نبردها، شاه ناگزیر به عقب نشینی شد. دولت قوام سقوط کرد و مصدق باردیگر نخست وزیر گردید.

"مردم یا گوشت و پوست خود احساس کردند، که ملی کردن نفت در واقع یک انقلاب ضد امپریالیستی است و تنها در نبرد قاطع با نیروهای



صحنه‌ای از تظاهرات مردم در ۳۰ تیر ۱۳۳۱

از کتب توده‌ای و مترقی حراست کنیم!

روزها در میهن ما، این اقدام شرم آور را بنام "فرهنگ" و "اخلاق" و "معنویت" هم انجام داده و می‌دهند.

اما آنچه آنها "کتاب ضاله" می‌خوانند، در هر حال، خار چشم آنها باقی خواهد ماند و راه تعمیق فرهنگ و دانش بشری را با تمام سختی‌های موجود باز خواهد کرد. از اینرو برای ما حاملان و حافظان نسل فعلی دانش مترقی و فرهنگ زحمتکشان در میهنمان، وظیفه حفظ کتب و نشریات منتشره توسط حزب توده ایران و دیگر کتب و نوشته‌های مترقی و کارگری در هر زمینه‌ای، یک فریضه انقلابی است.

لذا از خوانندگان "راه توده" تقاضا داریم فهرست کتب خود را برای ما ارسال کنند، تا با تکمیل فهرست کتب، امکان تجدید چاپ آن کتبی ایجاد شود، که به علت محدودیت تعداد آنها، تجدید چاپشان لازم است.

یکی از اهداف شوم یورش بربرمنشانه و ضد فرهنگی راستگرایان و تسلیم طلبان به حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، به تاراج بردن و "نابود" کردن فرهنگ غنی کارگری و خلقی است، که توسط حزب ما به زحمتکشان میهنمان و تمام انسانهایی، که در جستجوی دانش انسان ساز هستند، هدیه شده است.

در این مورد نیز تسلیم طلبان، که روزی مدعی "بحث آزاد" بودند، به همان راهی قدم گذاشتند، که گذشتگان بی فرهنگ، ارتجاعی رفتند. بودند، به راه کتاب سوزی و به زنجیر کردن دانش آنها به خیال خود می‌خواهند از این طریق افکار و اندیشه‌ها و دانش و فرهنگ و جویندگان آنها را نابود کنند. آری چنین است خواست همه بی‌خدانی، که در طول تاریخ به جنگ فرهنگ و دانش رفتند و چه بسا، همانند این

توسل به زور در مبارزه آید تلوژیک نشانه ضعف است

امام جمعه قم و عضو فقهای شورای نگهبان در خطبه نماز جمعه روز ۱۶ اردیبهشت ماه در قم پس از تکرار اتهاماتی که در این روزها ترجیح بند خطبه ها و سخنرانیها است گد سنگبری و شکنجه و قتل اعضای حزب و غیر قانونی کردن فعالیت علنی حزب تشویه ایران را موفقیتی چشمگیر، برجسته و ارزنده ترسیم کرد. چرا آقایان به جنایت نویسی خود این همه می‌بالند؟ وی در همین نماز جمعه به این سوئال چنین پاسخ می‌دهد:

"... آنچه اینجا ارزش دارد و اهمیت دارد، این است که اینها مدتها کار فکری و فرهنگی کرده بودند. در این مملکت مدتها افکار جوانهای پاکدل ما را دزدیده بودند. مدتها خط فکری به وجود آورده بودند. دهها سال در این مملکت اینها عنصر ضد خدا می-ساختند، عنصر ضد اسلام... می‌ساختند و مسئله فرهنگی و فکری بود."

امام جمعه قم صریح و روشن سخن می‌گوید، گرچه سفسطه نیز می‌کند. تکیه روی "الحاد" و "بی‌دینی" و "ضد مذهبی" در مبارزه فکری و فرهنگی، هدفی جز سوء استفاده از باورهای مذهبی انسانها نیست. بهره‌گیری از اینگونه شیوه‌های مطرود، نشانه عجز و ضعف دشمن است. رابطه حزب توده ایران با مذهب عیسایان است. حزبی که برای آزادی کامل وجدان مبارزه می‌کند، نمی‌تواند ضد مذهب باشد. حزب ما نیز همانند دیگر احزاب طبقه کارگر به معتقدات و باورهای مذهبی احترام می‌گذارد. تنها گناه حزب توده ایران این است که، حاضر نیست به پیروی از آقایان مذهب را جدا از مبارزه طبقاتی مطرح سازد.

"الحاد" و "بی‌دینی" چماق تکفیری است که هیئت حاکمه ایران در تبلیغات ضد کشورهای سوسیالیستی که به نظام غارتگر سرمایه پائسان دادمانند نیز به مقیاس وسیع بکار گرفته است. طی پنجاه سال اخیر دهها هزار انسان در ایران "به اتهام کمونیستی" بدست سلسله پهلوسی که جمعی از وعاظ السلاطین نیز مدافع آن بودند، به قبیح‌ترین وجهی به هلاکت رسیدند. این روند ضد بشری در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی نیز ادامه دارد و انسانها را به جرم دگر اندیشی شکنجه می‌دهند و می‌کشند. آیا در کشورهای سوسیالیستی حتی یکنفر را بجرم داشتن اعتقادات دینی آزار دادماند؟

آنجا که امام جمعه قم می‌گوید حزب توده ایران طی دهها سال خط فکری ویژه‌ای بوجود آورده بود و "مسئله، مسئله فرهنگی و فکری بود"، منظورش چیزی جز جهان بینی و آید تلوژوی حزب نیست. ما هم با این استدلال وی موافقیم، که "مسئله حزب توده ایران" مسئله جهان بینی حزب است و مسائل دیگر

نمی‌توان آنها را با دروغ و تزویر و افسانه سرائی از راه بدر برد. آنها بخوبی واقفند که برچسب "جاسوسی" به حزب توده ایران نه تازگی دارد و نه ابداع راستگرایان بحاکمیت رسیده است.

مگر شاه که اعضای حزب توده ایران را گروه گروه در مقابل جوخه اعدام قرار میداد، برای تیرئه جنایات خود، جز این میگفت؟ مگر دیکتاتورهای خودکامه و خونخوار در کشورهای آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا در مقابله با میهن پرستان جز این عمل می‌کنند؟ مگر رونالد ریگان، دهها میلیون مبارز راه صلح در اروپای غربی و آمریکا را "عمال کرملین" نمی‌خواند؟

در جهان مبارزه‌ای سخت و بی‌امان در جریان است - مبارزه آید تلوژیک - این نبرد با زتاب وجود و دو نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم حاکم بر جهان است. ناگفته پیداست که مبارزه آید تلوژیک بین دو نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم به معنای آن نیست که از هر وسیله مردم‌دو، زشت، مطرود و ضد بشری می‌توان برای اثبات "حقانیت" استفاده کرد. توسل به تبعت و تکیه بر زور در مبارزه آید تلوژیک، نشانه ضعف آید تلوژوی و زبونی اندیشه است - دشمنان حزب توده ایران در جمهوری اسلامی ایران، در مبارزه آید تلوژیک با حزب توده ایران این راه را انتخاب کردند.

با اندکی دقت و تحقق در متون سخنرانی‌های آقایانی که هنوز دادرسی آغاز نشده، همه به عنوان قاضی حکم محکومیت صادر می‌کنند، به سهولت می‌توان به حقانیت نظر ارائه شده در فوق پی برد. اتهامی که این حضرات چه قبل و چه بعد از انقلاب همیشه و در همه جا به حزب توده ایران وارد کرده‌اند، اتهام "بی‌دینی" و "الحاد" بوده و هست. دیروز شاه به کمک ساواک و وعاظ السلاطین از این حربه در مبارزه علیه آید تلوژوی حزب توده ایران استفاده می‌کرد، امروز مجموعه روحانیت حاکم با کمک پازماندگان ساواک و مبلغین و داعمین مگسلاو معمم سرمایه غارتگر، به آن حربه توسل شده‌اند. "حزب تودمی دین"، "حزب کفر"، "گروه الحادی حزب توده"، "فرو ریختن خانه‌های تنکبوتی دشمنان اسلام"، "حزب الحادی" و غیره اصطلاحاتی است که در سخنرانیها و خطبه‌های راستگرایان و عناصر به انقلاب پشت کرده در حاکمیت و نیز تلگرامهای فرمایشی واصله، فراوان می‌توان یافت.

وجهه فزاینده جهان بینی حزب توده ایران، که منعکس کننده آمال و آرمان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا است و نا-توانی آید تلوژیک قشریها در مقابله با آن، د و عامل موثر در تصمیم هیئت حاکمه به مددگیری از پلیدترین شیوه‌های سرکوب برای رویارویی با جهان بینی حزب توده ایران بود. است.

گسترش بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی در ژرفا و پهنا، که بگفته پاره‌ای از مسئولین می‌تواند به خط "پوسیدگی از درون" منجر شده و مصیبت توده‌های زحمتکش را در پی داشته باشد، هیئت حاکمه را وادار می‌سازد، در تکیه‌های جلوگیری از انفجار نارضائی، به حادثه آفرینی‌های متناوب توسل جوید تا بدینوسیله توجه توده‌ها را از بحران فراکیر منحرف کند.

زویادادهای سالهای اخیر و از آن جمله جنایات ارگانهای سرکوبگر علیه حزب توده ایران و اعضای آن، نشانگر آن است که تاکتیک "انحراف توجه" می‌رود که به عامل تشدید نارضائی مردم در داخل و به دلیل بارز عدم ثبات نظام جمهوری اسلامی در برون از مرزها مبدل شود.

بازتاب این امر را میتوان در عکس العمل توده‌های زحمتکش و روشنفکران مترقی در داخل و نیز افکار عمومی خارج از ایران، در قبالت جنایات ارگانهای سرکوبگر رژیم به روشنی مشاهده کرد.

یکی از اهداف سناریوی "شکار جاسوس" که به کارگردانی سیا، انتلیجنس سرویس، موساد و عمال ساواکی امپریالیسم در سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی روی صحنه آورده شده، لطمه زدن به وجهه حزب توده ایران در داخل کشور و با اصطلاح مسخ کردن آید تلوژوی آن در مقیاس بین‌المللی بود.

با وجود بکار افتادن ماشین عظیم تبلیغاتی جمهوری اسلامی و کمک بی‌دریغ رسانه‌های گروهی امپریالیستی در اشاعه یاوه‌گوئیهای مقامات ارتجاعی ایران و بالاخره گشودن آتش از همه سلاحهای ممکن تبلیغاتی پسوی حزب توده ایران، پرورنده سازان نتوانستند به هدفهای نامبرده نائل آیند. توده‌های زحمتکش و روشنفکران میهن پرست، که به درستی به تزویر و خیله این ددصفتان پی برده بودند، اعمال ضد بشری آنان را شدیداً محکوم کردند. هیئت حاکمه که در انتظار چنین عکس‌العملی نبود، سبحان نمر و وقیحانه تر به مقابله برخاست. آدمکشان کمد ستهایشان تا مرقق به خون هزاران انسان بی‌گناه آلوده است و با اعمال رذیلاته و سادیستی‌قرون وسطائی خود، "اس-اس"های هیترلی را در خاطرها زنده میکنند، در کسوت اسلامی و بنام اسلام زیر شکنجه "اعتراف" گرفتند و سپس برای آنکه سند جرم خود را از بین ببرند، با زیر پا گذاشتن ابتدائی‌ترین موازین مورد قبول جوامع تمدن و ثبت شده در اعلامیه حقوق بشر مصوب سازمان ملل متحد، قبیل از محاکمه، محکومیت قریب‌انین خود را اعلام کردند. سطح ادراک و شعور سیاسی توده‌های مایلیونی، که در کوره انقلاب ضد استبدادی و ضد سلطنتی آبدیده شده به درجه‌ایست، که دیگر

توسل به زور در مبارزه آیدئولوژیک نشانه ضعف است

بقیه از صفحه ۸

سرپوشی برای کتمان حقیقت است. بهمین دلیل ملخین اسلام آمریکایی "عملیات شهید بهشتی" را (توطئه امپریالیستی علیه حزب توده ایران زیر این نام ترتیب داده شده بود) موفقیتی چشمگیر و ارزنده و برجسته می‌دانند. امام جمعه قم حتی آن را "فتح العمین" توصیف می‌کند و می‌گوید: "این از فتح در جبهه‌های جنگ ارزش بیشتری داشت. آنجا فتح نظامی است. اما اینجا مسئله دخالت در افکار مردم است. اینجا یک عده به نام دلسوزی برای مردم فقیر و بیچاره این خطر را معرفی می‌کردند. و عده‌ای که از دست ستکاران به تنگ آمده بودند سنگری برای مقابله با دشمنها جز این سنگر نمی‌شناختند و اینها باورشان آمده بود و از روی عقیده، بسیاری معتقد بودند که ما اگر بخواهیم از کارگرو کشاورز، از ضعیف و بینوا حمایت کنیم، باید در این سنگر بنشینیم و سنگر دیگری وجود ندارد."

آیا سندی گویاتر از این در حکومت ایمن به اصطلاح محکوم کنندگان، و حقانیت حزب توده ایران می‌توان ارائه داد؟ اظهارات امام جمعه قم موبد آنستکه انگیزه راستگرایان و تسلیم طلبان در اتخاذ تدابیر فاشیستی علیه حزب توده ایران، ترس از گسترش نفوذ جهان بینی آن بوده است. سخنان وی اعتراض صریحی است بر اینکه حزب توده ایران از ژرفای نیاز طبقاتی جامعه برخاسته و یگانه امید و پناهگاه توده‌های تحت ستم و تنها سنگر زحمتکشان برای مقابله با زلوه‌های اجتماعی می‌باشد.

در اینکه میلیونها انسان که از دست ستکاران به تنگ آمده‌اند، دیر یا زود به این سنگر روی خواهند آورد، جای تردیدی نیست. زیرا حزب توده ایران راه عملی از میان برداشتن فقر، محو ستم طبقاتی، یگانه طریق دستیابی سریع و ممکن به رشد اجتماعی-اقتصادی بسود زحمتکشان و تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی واقعی کشور را، به توده‌های مظلوم نشان می‌دهد. بهمین سبب بود که جهان بینی حزب توده ایران، که ارائه کننده دانش تحول بنیادی جامعه، دانش‌های طبقه کارگر و همه زحمتکشان از قیود اجتماعی و اقتصادی است به تدریج به نیروی جاذبه عظیمی در جامعه مبدل میشد. مسلم است که چنین دورنمایی نمی‌توانست مورد پذیرش مدافعان سرمایه داری در کشور ما باشد.

مادامیکه جهان بینی حزب توده ایران به نیروی جاذبه عظیمی در جامعه مبدل میشود و در عرصه آیدئولوژی نمی‌توان به مقابله آن رفت، باید به همه وسائل ممکن و از آن جمله تحریف مارکسیسم و سرکوب مارکسیستها توسل شده‌تتها برای آنکه خود را از "آفات و بلیات" آیدئولوژی حزب توده ایران مصون نگاه داشت. اگر در سرکوب توده‌ایها، تجربه جلدان ساواک مورد استفاده ارگانهای اطلاعاتی جمهوری

اسلامی قرار گرفت، در تحریف مارکسیسم هم نیازی به تفحص کارشناس نبود. آرشو "اطلاعات" انباشته از اینگونه جعلیات است. تصادفاً سر-مقاله نویسن "اطلاعات" یکی از آنها را که دها بار در دوران شاه تکرار شده، مجدداً مورد بهربرداری قرار داده می‌نویسد که کمونیستها "به تأمین واقعی حقوق کارگران و کشاورزان کاری ندارند و در این راه کاری نمی‌کنند، بلکه برعکس کارگران و زحمتکشان را در استضعاف جدیدتر و آزار دهنده‌تری قرار می‌دهند، چه استضعاف اقتصادی و چه استضعاف سیاسی و فکری. کارگران و زحمتکشان برده دولت می‌شوند و فقط ارباب عوض می‌کنند." (همانجا)

آن سخن حق است که برهان و پشتوانه داشته باشد. برهان حقانیت مارکسیسم را می‌توان در تلاشی سیستم بهررکنشی، در ناپودی نظام منحوس سرمایه داری، در ریشه کن شدن بیکاری، فقر، درماندگی، بیماری، بی‌سوادی و بی‌خانمانی صدها میلیون انسان در کشورهای سوسیالیستی مشاهده کرد. می‌توان پرسید هدف "اطلاعات" از سرهمبندی کردن این دروغ آشکار چیست؟ مقصد، خدشه دار ساختن، وجهه حزب توده ایران و جهان بینی آن و بی‌ثمر نشان دادن راهی است، که حزب ما برای برون رفت از بحران عمیق اجتماعی و اقتصادی پیشنهاد می‌کند.

حزب توده ایران تغییر بنیادی زیر بنای مادی را که مایه شوکفانی فرهنگ و دانش و معنویت به نفع زحمتکشان است، یگانه راه نجات کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان می‌داند و معتقد است که فقط تغییر بنیادی زیر بنای مادی موجب دگرگونی روستائی است. قشریها و تسلیم طلبان منکر این نظر عمیقاً علمی هستند. قهر میکنند میتولند با موعظه و پند و اندرز، صاحبان ثروت را بر سر انصاف آوزند و تصورات آنها را درباره سود و سرمایه تغییر دهند، آنها را تا و تیکه خود تسلیم فشار سرمایه داران غارتگر نشده بودند.

ساده لوحانه است، اگر تصور شود، در جامعه پر از تضاد طبقاتی، با موعظه و پند می‌توان به عدالت اجتماعی دست یافت. قاعدتاً درک این موضوع ساده نباید چندان مشکل باشد. ولی وقتی دیکتاتوری، خودکامگی و خود محوربینی جایگزین مبادله آزاد افکار و نظرات گوناگون و مخالف در جامعه شد، دستیابی به کلید درک حقایق ناممکن می‌گردد. در چنین شرایط محدودیت فکری و کمونیسم ستیزی، مذ‌هب بسه حریه معنوی مبارزه فکری علیه کمونیسم مبدل می‌شود.

تبلیغات ضد کمونیستی افسار گسیخته کنونی، ادامه تنفر آمیز روندی است، که در دوران دیکتاتوری مطلق شاه با همکاری ساواک برای مقابله با حزب توده ایران پایه گذاری شده بود.

ردیه نویسان بر آیدئولوژی طبقات محسوم و

در درجه اول طبقه کارگر، تئوری و پراتیک مارکسیسم - لنینیسم را تحسیر می‌سند و تاریخ حزب توده ایران و مجموع جنبش کمونیستی و کارگری را جعل و مخدوش می‌کنند. این مؤلفان با رد تئوری مارکسیسم - لنینیسم به منزله نظریه‌ای که گویا با اوضاع و احوال ایران سازگار نیست، مزایای آیدئولوژی بورژوازی را در کسوت های گوناگون تبلیغ می‌کنند.

اتهام "جاسوسی" و "گرفتن اعتراضات" از سوی برای صورت قانونی دادن به اعمال فاشیستی ارگانهای سرکوبگر و از سوی دیگر برای خاموش ساختن ایج اعتراض به حق میهن پرستان در داخل و نیروهای مترقی در جهان ضرورت داشت. بی سبب نیست که امام جمعه قم در سخنان فوق‌الذکر خود در گرما گرم موعظه اعتراف کرده که به این اقدام جمهوری اسلامی "هم در داخل و هم در خارج اعتراض میشد. البته برای افراد خاص ایجاد شک و شبهه می‌کرد، اما این اعترافات که آمد بکلی مسئله را زیرورو کرد." وی سپس افزود، این اعترافات "خیلی اثر دارد، که فردا کسی به خودش حق ندهد که از اینها دفاع کند." (همانجا) به عبارت دیگر "اتهام جاسوسی" می‌بایست بهر طریقی شده به "اثبات" رسد تا اولاً، هم در داخل و هم در خارج "بکلی مسئله را زیر و رو کند" ثانیاً، بجه کثیری از مسلمانان شرافتمند (بقول امام جمعه قم "افراد خاص") را، که مخالف اعمال وحشیانه ساواکیهای در خدمت جمهوری اسلامی‌اند، قانع سازد و ثالثاً، امکان دفاع از حزب توده ایران را منتفی کند.

ولی روند حوادث نشان داد که هیچ یک از اهداف رژیم عملی نشد. به استثنای عمال امپریالیسم، ساواکیهای تحت حمایت جمهوری اسلامی، سلطنت طلبان، دشمنان سوگند خورده آزادی و استقلال ایران و محافل ارتجاعی جهان، بویژه امپریالیسم آمریکا، کسی به جنایات رژیم صحه نگذارد و بر خلاف انتظار هیئت حاکمه موج دفاع از حزب توده ایران و اعضای در بند آن سراسر جهان را فرا گرفت.

اعمال بربرمشرانه شکنجه گران و قانون شکنان در مقابله با حزب توده ایران نه تضاد فی و نه غیر منتظره است. ارتجاع و عمال امپریالیسم چهار سال آزارگزار ساجد و میادین را به عرصه حملات مدبوحانه علیه حزب توده ایران مبدل کرده بودند. یکسال پیش امام جمعه تبریز در خطبه نماز جمعه اعلام کرد:

"ای گروهکهای که مادی گرا هستید، بدانید که این مملکت جای شما نیست. ای آقایان توده‌های و چپی‌ها و مارکسیست‌ها، شما که یکبار از این مملکت رانده شده‌اید، چرا دوباره به این مملکت برگشته‌اید."

این عین جملاتی است، که فرمانروای کسل آذربایجان بیان داشته و ما آنها را از روزنامه "اطلاعات" شماره ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ نقل کردیم.

چنانکه ملاحظه می‌کنید، امام جمعه تبریز حتی پس از سرنگونی رژیم شاه، صحنه گذاردن به اعمال

استراتژی نوین امپریالیسم محکوم به شکست است!

امپریالیسم آمریکا در پی شکست‌هایی که در سالهای شصت و هفتاد قرن حاضر، در نتیجه سیاست تنش زدایی عمومی در جهان و مبارزات آزادی بخش خلقها، متحمل شد و مواضع رهبری خود را از دست داد، در پی آن شد تا استراتژی نوینی را در قبال این کشورها تدوین و به مرحله اجرا گذارد.

استراتژی نوین امپریالیسم، می‌بایست به تحقق اهداف سیاست بین‌المللی و نظامی آمریکا در جهت حفظ، باز پس‌گیری و گسترش نفوذ کم‌کم کرده و در عین حال تأمین‌کننده امید‌واهی آمریکا - نیسم آمریکا برای ایفای نقش رهبری آن در تمام جهان باشد.

از دست دادن برتری استراتژیک امپریالیسم آمریکا در برابر اتحاد شوروی، در نتیجه تلاش خستگی‌ناپذیر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در عرصه‌های اقتصادی و نظامی و تحکیم روند تنش زدایی و تحمیل سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز به امپریالیسم جهانی، تأمین شد.

همچنین گسترش اعتبار کشورهای سوسیالیستی در میان خلقهای جهان، خصوصاً خلقهای کشورهای در حال رشد و شکست مفتضحانه آمریکا در جنگ ویتنام و شکستهای متعدد دیگرو بااخره گسترش استقلال نسبی هم‌پیمانان اروپای غربی آمریکا، امپریالیسم آمریکا را در تدوین چنان سیاستی، که مقام آقایی وی را در جهان تضمین کند، مصرتر ساخت.

حساسیت بی‌سابقه امپریالیسم آمریکا برای تدوین این استراتژی جدید، خصوصاً در برابر کشورهای در حال رشد، بی‌ظلمت نیست!

شکست‌هایی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در سالهای شصت و هفتاد از طرف جنبش‌های آزادی‌بخش متحمل شد، که به ایجاد یک رشته کشورهای آزاد با نظامهای اجتماعی - اقتصادی مرفقی و ضد امپریالیست انجامید، برای اردوگاه سرمایه‌داری بسیار ناگوار بود.

امپریالیسم آمریکا در عرصه اقتصادی نیز مجبور به عقب‌نشینی‌های فراوانی در مقابل کشورهای در حال رشد شد. تلاش روز افزون خلقهای این کشورها، خصوصاً آنهایی که از منابع غنی زیرزمینی، بویژه نفت برخوردار بودند، برای استفاده از این منابع به سود خود و رفع تسلط امپریالیستی از این منابع، عثرات فراوانی در برداشته است. می‌توان به جرئت گفت که کشورهای در حال رشد، در سالهای هفتاد، به مثابه نیروی جدیدی، بطرز کیفی نوینی، در عرصه سیاست بین‌المللی ظاهر شدند. این کشورها، در اغلب موارد گرایشات ضد امپریالیستی از خود نشان دادند و بسیاری از

مسائل در کنار کشورهای سوسیالیستی قرار گرفتند. مسائل ایجاد مناسبات اقتصادی نوین بین‌المللی، خلع سلاح و مسائل خاور نزدیک از جمله این مواردند.

شکست امپریالیسم آمریکا در جنگ ویتنام، که با مخالفت‌های جدی در میان مردم آمریکا و بعضی هم‌پیمانان غربی آن مواجه بود، در عین حال شکست موقتی سیاستی بود، که به استفاده از نیروی نظامی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی سوسیالیست خاصی می‌بخشید.

تدوین "دکترین نیکسون" که بر طبق آن، آمریکا می‌بایست از درگیری مستقیم نظامی با کشورهای در حال رشد احتراز ورزد، در نتیجه این روند انجام گرفت. طبق این دکترین وظیفه سرکوبی جنبشهای آزادی بخش و یا توطئه‌های براندازی علیه کشورهای با نظامهای مترقی اجتماعی - اقتصادی در "جهان سوم"، به کشورهای دوست آمریکا در همین مناطق، که به بدین منظور نیز تجهیز نظامی میشدند، سپرده شد. نقش اسرائیل و کره جنوبی و بویژه رژیم شاه در سرکوب جنبشهای آزادی‌بخش، خصوصاً در منطقه خلیج، نیز در رابطه با این دکترین بود.

اما با وجود تمام این مانورها، امپریالیسم دیگر در موقعیتی نپدید، که قادر شود با این سیاست مواضع از دست رفته خود را باز یابد و موقعیت خود را در جهان تثبیت کند. تمام کوششهای امپریالیسم برای به بند کشیدن آنگولا و موزامبیک، توطئه‌های دشمنانه علیه افغانستان و مکزیک، وادار کردن سومالی به حمله به اتیوپی انقلابی، و کمکهای بی‌حد به رژیمهای ارتجاعی شاه و سوموزا برای جلوگیری از سرنگونی آنان، با شکست مواجه شد.

با توجه به این اوضاع، در اواسط سالهای هفتاد، نیروهای ارتجاعی در درون هیئت حاکمه آمریکا کوشش کردند تا جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا را به دوران سالهای ۵۰ و ۶۰، اما در سطح کیفی بالاتری، باز گردانند.

این محافل نمی‌توانستند با کاهش نفوذ بین‌المللی آمریکا، تضعیف نقش قدرت نظامی و تثبیت و ادامه روند تنش زدایی در مناسبات میان‌کشوری‌های یا نظامهای اقتصادی - اجتماعی متفاوت موافق باشند. تضدید این روند منافع این محافل را که به صنایع نظامی و نفتی و عموماً به مجتمع نظامی - صنعتی وابسته بودند، به خطر انداخته و نفوذ سیاسی آنان را نیز تهدید میکرد.

این محافل که از لحاظ سیاسی در اواخر دوران ریاست جمهوری کارتر موضع خود را بر کرسی نشانده بودند، توانستند با سرکار آمدن ریگان نقش تعیین‌کننده را در مراکز تصمیم‌گیری اشغال کنند.

بدین ترتیب نیروهایی دست برتر را گرفتند، که به قدرت نظامی برتر آمریکا اولویت خاصی بخشیده و استفاده مستقیم و غیر مستقیم از قهر نظامی را در برخورد با کشورهای سوسیالیستی و در حال رشد، به اعمال شیوه‌های "صلح‌آمیز" ترجیح میدهند.

حلقه مرکزی این سیاست عبارت است از افزایش توان نظامی امپریالیسم آمریکا. چنانکه و. پ. کلارک، مشاور امنیتی ریگان در اولین سخنرانی خود، پس از انتصاب به این مقام اعلام داشت:

"یک استراتژی موفق باید از وجوه دیپلماتیک، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک که بر قدرت نظامی پایه ریزی شده باشد، برخوردار گردد."

جهت‌اصولی سیاست این محافل، متوجه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است، که سد اصلی در راه تحقق تلاشهای برتری جویانه امپریالیسم آمریکا را تشکیل میدهند. جهت دیگر این سیاست متوجه جنبش‌های آزادی بخش ملی در کشورهای در حال رشد است. برای امپریالیسم آمریکا این دو جهت جمع واحدی را در مقابله جهانی میان نظامهای متفاوت اجتماعی تشکیل میدهند.

از یک سو، مبارزه علیه جامعه کشورهای سو - سوسیالیستی به منظور "خنثی کردن" سیاسی، اقتصادی و نظامی آن، و ایجاد فضایی برای امپریالیسم، که بتواند آزادانه در مقابل جنبش‌های آزادی‌بخش و کشورهای در حال رشد عمل کند. امپریالیسم آمریکا این امیدواهی را در سر می‌پروراند، که بتواند با تأمین برتری نظامی بر کشورهای سوسیالیستی و دست زدن به سیاست‌های ماجراجویانه، دست کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنان اتحاد شوروی را در کمسک و همبستگی با جنبش خلقهای دریند و کشورهای بی‌کار می‌کنند، ببندد.

از سوی دیگر و در این متن، با به‌عقب‌نشینی واداشتن و به شکست کشاندن نیروهای مترقی در کشورهای در حال رشد، و از همه مهم‌تر براندازی رژیمهای مترقی در کشورهای با سمت‌گیری سوسیالیستی، حلقه مناطق نفوذ و سلطه خود را بر در کشورهای سوسیالیستی تنگتر کند.

تدارک مقدمات این استراتژی نوین، در زمان ریاست جمهوری کارتر آغاز گشت. "دکترین کارتر" که در اوایل سالهای ۸۰ (۱۳۵۸) اعلام شده و در آن آمادگی آمریکا برای مداخله نظامی در خلیج فارس در نظر گرفته بقیه در صفحه ۱۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می دهند

بقیه از صفحه ۱۱

" ما از دولت اطریش می طلبیم تا به تمام انساندوستی اقدامات عملی در رابطه با دولت ایران انجام دهد تا جلوی نقض بیشتر حقوق بشر در ایران گرفته شود "

همبستگی کمونیستهای اسپانیا بازندان توده‌ای

در جشن روزنامه موند و اویرو (جهان کارگر) ارگان حزب کمونیست اسپانیا، در تاریخ ۱ - ۳ ژوئیه (۹ تا ۱۱ اکتبر ماه ۶۲) که با شرکت چندین هزار نفر در مادرید برگزار گردید، خرالدا و ایگلیزیا، دبیر اول و بقیه اعضای هیئت سیاسی این حزب، طی دیدار از غرفه حزب توده ایران، پشتیبانی همه جانبه کمونیستهای اسپانیا را از مبارزه حزب در این شرایط دشوار، اعلام نمودند شرکت کنندگان در این مراسم نیز با امضای اعتراضنامه‌ها، همبستگی خود را با حزب توده ایران و مبارزین در بند آن ابراز کردند.

د هلی نو برگزار شد. در این تظاهرات که با شرکت وسیع نیروهای دمکراتیک هند و سازمانهای مترقی برگزار شد، قطعنامه‌های صادر شده که در آن اعمال این تزییقات از طرف حاکمیت جمهوری اسلامی علیه مبارزین ایرانی محکوم شده و آزادی فوری و بلا-شرط آنان و توقیف پیگرد ها خواسته شده است.

مقامات سفارت ج ۱۰۱۰ در د هلی نو، از پذیرش این قطعنامه سر باز زدند. تظاهر کنندگان متن این قطعنامه را بر دیوار سفارت ج ۱۰۱۰ در د هلی نو نصب کردند. این تظاهرات انعکاس گسترده‌ای در افکار عمومی هند یافت.

دفاع دانشجویان و جوانان سوسیالیست از حزب توده ایران

موج همبستگی با رهبران و اعضای در بند حزب توده ایران، هر روز دامنه وسیعتری

پیدا کرده و محافل و سازمانهای دمکراتیک بیشتری در آلمان فدرال همبستگی خود را با توده‌های در بند اعلام می کنند آنها خواهازانند، که تزییقات دد منشانه علیه حزب توده ایران هر چه زودتر پایان یافته و تمام زندانیان توده‌ای باید آزاد گردند.

جوانان سوسیالیست استان "راین میانه" طی نامه‌های خطاب به سفارت ج ۱۰۱۰ در برن، ضمن اعتراض به یورش دد منشانه علیه حزب توده ایران، و محکوم کردن شکنجه‌های اعمال شده بر رهبران و اعضای حزب توده ایران، خاطر نشان ساختند که پیگرد کمونیستها و نیروهای ضد امپریالیست، در عین حال دستاورد های انقلاب را نیز مورد تهدید قرار می دهد. هیئت رئیسه اتحادیه سوسیالیستی دانشجویان آلمان فدرال (اس.ا.ب) طی نامه‌ای که به سفارت ج ۱۰۱۰ در برن ارسال داشته، اظهار نموده است که بازداشت و پیگرد توده‌های، با اهداف انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران ناسازگار است.

این اتحادیه در ادامه نامه خود، از مقامات ج ۱۰۱۰ خواسته است که هر چه زودتر، تمام توده‌های در بند آزاد گردند و تزییقات و پیگرد علیه حزب توده ایران پایان یابد.



تظاهرات "کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده‌ای" جلوی سفارت ج ۱۰۱۰ در آتن، یونان

تظاهرات کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده‌ای در یونان

در تاریخ پانزد هم ژوئیه (۲۴ تیر ماه) نما-بندگان "کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده‌ای"، شعبه آتن، ضمن مراجعه به سفارت ج ۱۰۱۰ در برن شهر، لیست قبلا اعلام شده هیأت د اطلب اعزام به ایران را تسلیم مسئولین سفارتخانه نمود و خواطر نشان ساختند که این افراد همچنان در انتظار رواند، برای عزیمت به ایران و دیدار از زندانیان توده‌ای می باشند. ترکیب هیأت فوق الذکر، بدین قرار است:

- ۱- نماینده‌ای از جانب رئیس دانشگاه آتن
- ۲- نماینده مستقل و سوسیالیست پارلمان یونان
- ۳- د و نماینده از طرف سند یکای حقوقدانان آتن
- ۴- نماینده‌ای از طرف سند یکای پزشکان آتن
- ۵- نماینده‌ای از سوی اتحادیه ملی دانشجویان یونان

محافل مترقی و دمکرات هند از زنان دمکرات در بند ایران دفاع میکنند

روز پنجشنبه، چهاردهم ژوئن ۱۹۸۳، (۲۳ خرداد ۶۲)، تظاهراتی از سوی سازمان زنان دمکرات هند وستان و حزب کمونیست هند وستان (مارکسیست) و حزب کمونیست هند وستان به اعتراض علیه بازداشت غیرقانونی، پیگرد و شکنجه فعالین تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، بویژه مریم فیروز، مسئول این سازمان و عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در



پوسترهای بزرگ رفیق کیانوری که از طرف "کمیته بین المللی همبستگی با توده‌ایهای در بند" بر دیوارهای سراسر شهر آتن نصب شده است.

در هفته‌ای که گذشت:

مانور نظامی امپریالیسم آمریکا در خدمت چه کسانی است؟

چنانچه در واشنگتن اعلام شد از روز دهم اوت تا دهم سپتامبر سال جاری، در اراضی مصر، سودان، سومالی و عمان مانورهای نظامی به نامها "رمزی" ستاره درخشان" و "باد شرق" انجام خواهد گرفت.

اطلاع میدهند که ۷۰۰۰ نظامی آمریکایی از نیروهای مسلح "سپاه مداخله سریع" به فرماندهی مرکزی واشنگتن، در این مانورها شرکت خواهند کرد. در این عملیات سلاحهای جنگی آمریکایی، هواپیما، ناوهای هواپیمابر و همچنین تعدادی بمب افکن استراتژیکی (ب-۵۲) و سلاحهای نظامی دیگر مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

نیروهای مسلح فرماندهی مرکزی واشنگتن، در اراضی مصر به انجام عملیات نظامی در زمین خواهند پرداخت؛ گروهی از تفنگداران آمریکایی در سواحل سومالی پیاده خواهند شد و از پایگاههای سودان و عمان، برای انجام عملیات چتر-بازان هوایی استفاده خواهد شد.

قابل توجه است، که انجام این عملیات علاوه بر هدفهای نظامی، هدفهای سیاسی را هم در نظر دارد و آن تشدید بحران در خاور نزدیک و میانه میباشد. البته باز هم مترسک "خطر شرویی" به کمک طلبیده میشود!

بنابراین اظهارات و این برگر، وزیر جنگ آمریکا، گویا "اتحاد شرویی امنیت کشورهای منطقه را تهدید میکند." ادعای تبلیغاتچیان امپریالیستی در مورد خطر موهوم شرویی بدین خاطر است تا توجه ملت‌های خاور نزدیک و میانه را از خطر واقعی منحرف سازند. خطر واقعی از سوی واشنگتن، که مقدمات برگزاری مانورهای نظامی را در خاور نزدیک و میانه تدارک می‌بیند، متوجه ملل این منطقه است.

با توجه به فعالیتهای سیاسی - نظامی آمریکا و رژیمهای ضد خلقی و دست نشانده در منطقه مشاهده میشود، که امپریالیسم آمریکا، علاوه بر گسترش حضور نظامی مستقیم و تقویت پایگاههای نظامی خود در منطقه اقیانوس هند، خلیج فارس و دریای عمان، کلیه رژیمهای ارتجاعی این منطقه را با تشکیل حلقه‌های واسطه، از قبیل "شورای همکاری"، "کمیته‌های مشترک نظامی" و پیمانهای امنیتی، دو جانبه و چند جانبه، به یکدیگر متصل میکند. امپریالیسم آمریکایی، همچنین با تنگ‌تر کردن حلقه محاصره سیاسی - نظامی خود پیرامون کشورهای عضو جبهه پایداری و ایجاد جو تهدید جدی قرار می‌دهد. امپریالیسم آمریکا با حضور فعال نظامی خود، به کمک راستگرایان و طرفداران امپریالیسم

در ایران نیز می‌شاید.

مجلس خبرگان آغاز به کار کرد

پنجشنبه هفته گذشته مجلس خبرگان با ۶ نفر منتخبین آن آغاز بکار کرد.

در اولین جلسه، انتخاباتی به منظور تعیین ریاست مجلس، نیابت مجلس و منشی مجلس صورت گرفت، که عده‌های خود را کاندید کردند. کاندیدهای ریاست مجلس، آیت الله مشکینی، آیت الله آذری قمی و آیت الله خزعلی بودند، که آیت الله مشکینی با ۴۵ رأی انتخاب شد و آیت الله خزعلی بعنوان آخرین کاندید با ۶ رأی آورد. کاندیدهای نیابت مجلس نیز حجت الاسلام رفسنجانی، آیت الله صانعی، حجت الاسلام ربانی املشی، بودند که حجت الاسلام رفسنجانی با ۳۸ رأی بعنوان نیابت مجلس انتخاب شد. همچنین کاندیداهای منشی مجلس حجت الاسلام مومن، طاهری خرم آبادی، موسوی خوشینی‌ها، طاهر شمس، علی اصغر دستغیب و فهم کرمانی بودند که آقای مومن و طاهری بعنوان منشی‌های مجلس انتخاب شدند.

دروغ مصلحت‌آمیز!

آقای رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در نماز جمعه روز ۱۷ تیرماه خود، ضمن بررسی کودتای نوره گفت:

"هم تودها بیها و هم اینها (مجاهدین) کارشان اینطور بود. یک ورقهای به شکست اطلاعات می‌آوردند پیش ما، اطلاعاتی کسبه استفاده‌های نمیشد ارزش بکنیم. ۰۰۰ یک اطلاعات ناقصی جمع کرده بودند، آوردند، دادند که در نیروی هوایی یک خبرهایی هست، یک چیزهای نوشته بودند، که اگر ما میخواهیم رویش عمل کنیم هیچی نمی‌توانستیم انجام دهیم. هیچ سرخنی نداده بودند."

آقای رفسنجانی چندی پیش اظهار داشته است، که دروغ مصلحت‌آمیز، مجاز است. آقای رفسنجانی پیشنهاد میکنیم، که کپی نامه‌هایی را که حزب توده، ایران در افشای توطئه‌های کودتای نوره به مقامات جمهوری اسلامی نوشته است، در روزنامه‌های مجاز منتشر کنند، تا مردم از صحت گفته‌های آقای رئیس مجلس مطمئن شوند و آنرا "دروغ مصلحت‌آمیز" ندانند، زیرا مردم بحق در جستجوی "مصلحت" این دروغ هستند!

امنیت شغلی برای که؟

راستگرایان و مدافعان کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی در ایران، که هر روز مواضع خود را تحکیم کرده و گسترش میدهند، این روزها از هر فرصتی استفاده کرده و از نبودن امنیت شغلی و

اقتصادی برای سرمایه‌داران ناله می‌کنند. آنها در ظرف مدت کوتاهی پس از انقلاب به اندازه بیست سال سود بردند و با غارت بی‌امان خود، آخرین روق زحمتکشانشان میهن ما را نیز کشیدند، هنوز از وضع خود اظهار ناراضایتی کرده و سهم بیشتری را میطلبند.

آنها که طی ۴ سال غارتگری خود هزاران نفر را از کار بیگار کرده و از هیچ وسیله‌ای برای اخراج کارگران از کارخانه‌ها و بیرون راندن دهقانان از روستاها ابا نداشته‌اند از عدم امنیت شغلی و سرمایه‌گذاری هم می‌زنند و تضمین بیشتری برای آزاد بودن در غارتگری طلب می‌کنند.

آقای علی اکبر معصومی نماینده مردم شاهرود در مجلس شورای اسلامی می‌گوید:

"هنوز امنیت اقتصادی، لازم جهت جذب سرمایه‌های مردمی وجود ندارد."

بهبتر است پاسخ این ادعای راستگرایان را از زبان خود نمایندگان مجلس بشنویم: آقای فاضل هرندی در پاسخ کسانی، که می‌گویند چرا به مردم و افراد ممکن امنیت شغلی نمی‌دهند و چرا به اینها امنیت نمی‌دهند، که سرمایه‌های خودشان را در کارهای تولیدی بکار بیاندازند، گفت:

"جای بسی تعجب است، چه کسی امنیت شغلی را از اینگونه افراد سلب کرده است؟ اگر مردم امنیت شغلی نداشته‌اند کجا می‌شود با آزاد کردن یک کالا که از استانی به استانی دیگر حمل می‌شود بنا به آنچه گفته‌اند بیش از هلیبار تومان سود عاید یک عده مخصوص و یک عده معین شود؟ اگر مردم امنیت شغلی نداشته‌اند چگونه با اینکه دادستان، محترم کل کشور و رئیس دیوان عالی کشور مرتباً فریاد می‌زنند و افراد را از گران‌فروشی بر حذر می‌دارند با کمال آزادی کالاها یکدیگر دولت پرایشان نرخ معین مقرر کرده است گاهی تا ۱۰ برابر نرخ واقعی خودشان در بازار سیاه بفروش می‌رسد؟ آیا منظور از امنیت شغلی این است که مسئولین یک سند پلمب شده به اینگونه افراد بدهند که از این پس کسی را با کسی کاری نباشد؟ و آیا امنیت شغلی باید برای یک عده محدود و معین بوجود بیاید، آنهم ولو به قیمت از بین رفتن امنیت عامه مردم، تا جائیکه دادگستری به حمایت از امنیت و اموال مردم حکم تخلیه مردم یک روستا را صادر کند به ادعای واهی اینکه این روستا تمام مکانیزه شده است؟ یا در شهر مشهد دادگاه در ظرف شش ماه دهها نفر از مردم روستایی را به زندان بیاقتند تا جائیکه الان که شورای عالی قضایی بخشنامه صادر کرده است و من یا شما اینجا صحبت می‌کنم. یا کمال تأسف ۹ نفر از روستائیان در زندان مشهد پسر می‌برند، هیأت پیگیری فرمان امام مسئله را بررسی کرده و شخص متخلف را شناخته است. اما جای بسی تأسف است بجای اینکه متخلف از شغلش برکنار شود در شغل قبلی ابقا شده و علاوه بر آن پست اضافی به او داده شده است. اینها امنیت شغلی معنائیش این است یا امنیت برای همه ملت و مردم است" (اطلاعات ۱۸ تیر ۶۲، بقیه در صفحه ۱۳)

در هفته‌ای که گذشت:

بلی درست است. امنیت شغلی وجود ندارد. ولی نه برای سرمایه داران بلکه برای کارگران و زحمتکشان ما، که بار تمام مشکلات را به دوش می‌کشند.

باز هم به سخنان یکی دیگر از نمایندگان مجلس مراجعه می‌کنیم.

آقای حمیدزاده در جلسه مجلس شورای اسلامی گفت:

"آن مقدار که ما اطلاعاتی از مجتمع های کارگری و تولیدی داریم هم در رابطه با انجمن های اسلامی و هم شوراهای اسلامی کارگری جز بی مهری از طرف وزارت کار اعمال نشده است. از جمله رفتن به شهر صنعتی البرز در قزوین و شلاق زدن کارگران که با حکم حاکم شرع وزارت کار صورت گرفته و برخورد های این چنینی در محیط های کارگری با کارگران، اخراج کارگران متعهد و برخورد های ناروا با انجمن های اسلامی ۰۰۰ اقتضا می‌کند که من با فوریت این لایحه مخالفت کنم بدلیل اینکه چماق را کلفت تر و سنگین تر میکند بر سر بچه های متعهدی که می‌خواهند کار بکنند. آن کارگری که بدون آشنایی به قانون و مقررات به جبهه رفته است و حالا برگشته و او را اخراج کرده اند من خواهند به این کار مشروعیت بدهند ۰۰۰"

(کیهان ۱۵ تیر ۶۲)

ناراضی ترانسان چه کسانی هستند و چه هدفی را دنبال میکنند؟

مسائل مسکن، بیکاری، ارضی، بازرگانی خارجی، حق تشکیل شوراهای و سند پیکاهای کارگری، گزانی و دهها نمونه دیگر بلایایی هستند، که مردم هر روز با آن دست به گریبانند و هر روز آنها هولناکتر و سنگین تر می‌یابند.

هیچگونه آمار وارقامی نمی‌تواند بی‌آمد های عمیق ناراضی خانواده های زحمتکش بی‌شماری را، که به فارت بی حساب ثروتمندان منتفد، کلان سرمایه داران و گردانندگان بازار و دلالان و واسطه‌ها و میدان داران و انبار داران عمده واقف هستند، اندازگی کند.

هفته گذشته آقای موسوی تبریزی و دیگر مقامات مسئول درج ۰۱۰۱، خود به نقش این گروه از مدافعان کلان سرمایه داران در ادارات و وزارتخانه‌ها اعتراف کرده و اظهار می‌دارد که:

"من از مسئولان ادارات میخواهم با کسانی که مویجات ناراضی مردم را فراهم می‌کنند، شناسایی کنند." (مصاحبه رادیویی ۲۲ تیر)

آقای موسوی به عنوان دادستان کل انقلاب خود خوب میدانند، که ایشان و دیگر مسئولان در حاکمیت، خود این مدافعان سرمایه را بر سر نوشت مردم مسلط ساخته‌اند و دادن شعار از سوی آنها را باید در واقع برای پوشاندن شرکت خود در این توطئه ناراضی تراشی فهمید. واقعیت این است، که راستگرایان، ساواکی-

ها و سلطنت طلبان و سایر ضد انقلابیون امواج تهدید کننده، ناراضی و یاس و دل سردی در بین زحمتکشان را بدست تسلیم طلبان برمی‌انگیزند. آنها با قیافه "شرعی" و نفوذخود مدیریت ادارات و مؤسسات و دیگر ارگانه های دولتی را به دست می‌گیرند و به ناراضی تراشی دامن می‌زنند.

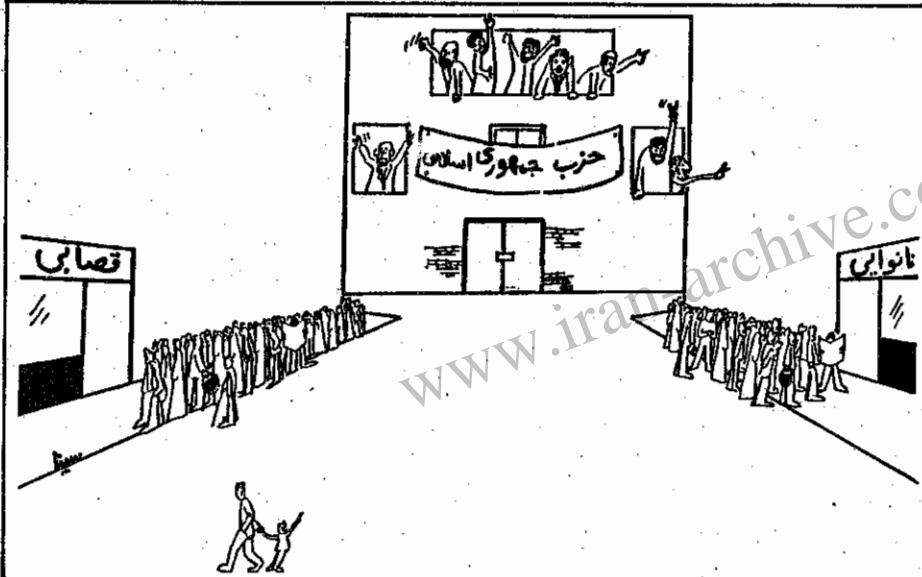
آنها بر این امیدند، که جان مردم را به لب برسانند، و آنها را از دفاع از دستاوردهای انقلاب دور کنند، تا راه بازگشت گذشته سیاه شاهنشاهی هموار شود. ما از مدتها پیش این ما از مدتها پیش این توطئه عظیم را یاد آور شدیم و گفتیم که "جبهه متحد ضد انقلابیها همکاری امپریالیسم در راه ایجاد جو عدم رضایت مشغول برنامه ریزی است. حزب ما، از مدتها پیش دربار سرچشمه، ناراضی هشدار میداد و میگفت:

"سرچشمه را باید خشکاند. تعارف نباید کرد. این که ما غارتگران را آزاد بگذاریم و بعد

با علامت ستاره مشخص شده بود، که بر اساس توضیح مندرج از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، این افراد مراحل نهایی گزینش را طی نکردند و باید به دانشگاه مربوطه مراجعه کنند. در دانشگاه نیز به داوطلب فرمی ارائه می‌شود، که باید به تأیید یکی از مقامات بلند پایه مملکتی برساند تا بعنوان برگ تحقیق در پرونده وی ضبط شود.

وای به حال آن دانشجویی، که دستش به مقامات بلند پایه نرسد با اعلام نتایج کنکور تعداد زیادی از داوطلبین دارای معدل بالاتر از ۱۸ که نامشان در لیست قبول شدگان نبود در محل وزارت فرهنگ و آموزش عالی اجتماع کرده و به عدم قبولی خود اعتراض کردند.

ولی وزارتخانه بجای پاسخ به اعتراضات منطقی و بحق آنان، که استعدادشان با سیاست های اعمال شده از سوی این وزارتخانه پایمال شده بود، به قوای انتظامی متوسل شد و صدای اعتراضی آنان را با اعمال این شیوه خاموش کرد.



تراودی نظام آموزشی میهن ما در عین حال به علت ابتدال سیاست مسئولین وزارت فرهنگ و آموزش عالی مسخره است. به بررسی کیهان توجه کنید:

بررسی اجمالی ما در اسامی پذیرفته شدگان مرحله سوم پزشکی و فنی و مهندسی نشان میدهد که ۳۹ نفر، از پذیرفته شدگان اسمشان در هر دو لیست وجود دارد. در باره قبول شدن این ۳۹ نفر در هر دو کنکور تذکر چند نکته ضروری است. ۵۰ نفر از این ۳۹ نفر در تحقیق (تفتیش عقاید) برای رشته پزشکی قبول شده‌اند و نامشان در اسامی مسجل قبول شدگان است، در حالی که همین ۵ نفر با همان مشخصات برای کنکور فنی و مهندسی در مرحله تحقیق، گزینش نهایی نشده‌اند و ایضا ۴ نفر در پزشکی چنین وضعی دارند ۰۰۰.

ولی نویسند ه کیهان به سیاست مبتنی بر تفتیش عقاید وزارت فرهنگ و آموزش عالی که برخلاف قانون اساسی است، اشاره‌ای نمی‌کند و تنها ایرادش به مسئولان این است، که چرا قبل از اعلام نتایج، اسامی مشترک در دو لیست قبول شدگان را حذف نکردند ۰۰۰.

به توده مردم بگویم که شما از این وضع دفاع کنید، این نمی‌شود! (پرسش و پاسخ ۲۰ شهریور ۶۱)

کنکور و وضع اسف بار آموزش عالی

هفته گذشته برای اولین بار کنکور سرتاسری در ایران پس از گذشت ۴ سال برگزار گردید. با این تفاوت، که اینبار بعلت وقفه ۴ ساله در پذیرش دانشجو و نیز عدم بازگشایی برخی از رشته‌ها و دانشکده‌ها، تعداد داوطلبان چند برابر یعنی متجاوز از ۳۶۰،۰۰۰ نفر و ظرفیت موجود کمتر از ۲۸،۰۰۰ نفر اعلام شد.

تازه این اول کار است و قبول شدن برای خود مراحل را دارد. عبور از خوان "تفتیش عقاید" که فقط از نظر زمانی بیش از یک سال به طول خواهد انجامید، معضل "نو" برای تحصیلات در میهن ما است.

ولی نتایج اعلام شده کنکور سال قبل، باز هم بیشتر اسفناک بودن نظام آموزش جمهوری اسلامی ایران را نشان داد. روزنامه کیهان (۱۶ تیر ۱۳۶۲) در مورد نتایج کنکور نوشت:

"در لیست قبول شدگان، تعدادی از اسامی

حرکت بسوی خودکفایی، افسانه‌ای بیش نیست!

یکی از وعده‌های طلائی تسلیم طلبان امروزی و معاشاتگران دیروزی به خلق و پاسخ به ایشار و فد اکاری آن در دفاع از انقلاب آن بوده وهست که گویا میهن ما "بسوی خودکفائی" حرکت می‌کند. صرف نظر از این که این نیروها تصور روشنی از "خودکفائی" نداشتند و هیچ گاه برنامه مشخصی برای آن ارائه نکردند، نمونه‌ها عینی میتوان هر روز بیشتر و بیشتر یافت، که از آن می‌کند که دسترسی به این "خودکفائی" که سهل است، حرکت بسوی خودکفائی نیست - افسانه‌ای بیش نیست.

بدون يك برنامه روشن، زمانبندی شده، بسا تعیین اولویت‌ها و با ایجاد زیربنای مادی و فنی و تربیت کادر لازم، بدون ایجاد يك پایه صنعتی مستقل و قوی، خودکفائی در هیچ زمینه‌ای، حتی در زمینه کشاورزی نیز ممکن نخواهد بود. این نظر حزب ما بوده و هست و برنامه مشخص نسو سازی برای جامعه فعلی ایران، بر مبنای قانون اساسی ج ۱۰۱۰ که حزب ما ارائه داده است، تنها راه "حرکت بسوی خودکفائی" است. اما نکته‌ای که در اینجا می‌خواهیم بر روی آن انگشت بگذاریم بی‌افق بودن حتی قدم‌های نامنظم و کم اثر و کوتاه نفس نیروهائی است، که سه صادقانه برای تامین "خودکفائی" می‌کوشند. می‌خواهیم نشان دهیم، که این نیروها با تسلیم شدن به راستگرایان و حامیان کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی حتی قادر نیستند کوچکترین قدمی آنظر که در چهار چوب کشورهای سرمایه‌داری هم انجام شده، بسوی خودکفائی بردارند و "تلاش" آنها در این راه عبث است و خواهد بود.

قضیه از این قرار است، که از طرف وزارت کشاورزی و عمران روستائی "لایحه منح هر نوع تفکیک و تبدیلی اراضی مزروعی در استانهای گیلان و مازندران" به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود. این لایحه پس از "بررسی" در کمیسیون مربوطه در جلسه علنی روز یکشنبه ۸ خرداد ۶۲ مطرح شد و پس از صحبت‌های مخالف و موافق با اکثریت آراء رد شد. شایان توجه است، که این لایحه بر مبنای "ضرورت"



به مجلس آمده بود. دلایل مخالفین لایحه، که اکثریت نمایندگان مجلس را پشت سر خود دارند، آنقدر صریح و افشاگرانه است، که نیاز زیادی به توضیح ندارد. مثلاً کیان ارشی، مخبر کمیسیون کشاورزی علت رد آن را توسط کمیسیون به ظاهر محدود بودن جغرافیائی لایحه به گیلان و مازندران

قلمداد کرد و با تاکتیک "سنگ بزرگ" گسردن خود و بزرگ زمین‌داران را از دست آن خلاص کرد و برای نشان دادن "انقلابی" بودن خود از آن دم زد، که "باید زیربنای کشاورزی درست شود و این لایحه که در نقاط محدودی، منح تفکیک می‌کند، نمیتواند جوابگوی نیاز کشاور (بخوان بزرگ زمین خواران) باشد!" حسین هراتی آب پاک را بر روی همه اداها ریخت و صاف و پوست‌کنده علت اصلی مخالفت را قیمت گذاشتن بر روی برنج" اعلام کرد و حسین ثواب، سخنران دیگر مخالف لایحه نیز در تأیید همین نکته مدعی شد که گویا "این محدودیتها... به نفع کشاورزی نیست" و گناه اصلی را "قیمت گذاری دولت" قلمداد کرد.

هشدار آقای محمد سلامتی وزیر کشاورزی و عمران روستائی که "در استان گیلان و مازندران زمین‌های زیادی، دارد تبدیل به چیزهای دیگر می‌شود. اگر به این صورت پیش برود دیگر نمی‌توانیم دم از خودکفائی بزنیم" بر روی نمایندگان "مردم" تأثیری نداشت، زیرا نمایندگان مخالف این لایحه در واقع نمایندگان زحمتکشان نیستند، بلکه نمایندگان همان "افراد پولداری" هستند، که بنا به گفته آقای وزیر کشاورزی "می‌آیند، مثلاً در شمال، زمینهای مستعد کشت برنج را با قیمت بالا از کشاورز می‌خرند و خانه‌های ویلایی می‌سازند" تا از این طریق "تولید کشت برنج پایین بیاید و کشور به وارد کردن آن با ارز فروش نفت وابسته شود و بعبارت دیگر تداوم وابستگی شاهنشاهی در لباس "شرعی" و "اسلامی" تضمین شود!

این است نتیجه سیاست معاشات و تسلیم طلبی در مقابل دشمنان صالح عالیه میهن، آنهم به نام انقلاب!

استراتژی نوین امپریالیسم محکوم به شکست است!

بقیه از صفحه ۱۰ شده بود، مؤید این امر است. امپریالیسم آمریکا برای رسیدن به اهداف خود، دست به اقدامات علمی و سیاسی متفاوتی زد و هنوز نیز دنبال می‌کند. عمده فعالیت‌های امپریالیسم آمریکا را در تحقق استراتژی خود، می‌توان در چند بخش توضیح داد: - تشکیل "سپاه مدخله سریع" در پی پیروزی انقلاب در ایران و سرنگونی رژیم شاه با شدت هر چه بیشتری دنبال شد. مرکز فعالیت‌های این "سپاه مدخله سریع" نیز به علت اهمیت سوق الجیشی منطقه خلیج فارس - هججوری با اتحاد شوروی و دارا بودن ذخایر عظیم مواد انرژی زا - به این منطقه، که در کنار ژاپن و اروپای غربی مرکز منافع استراتژیک آمریکا خوانده میشود، منتقل شد. - امپریالیسم آمریکا میکوشد تا کشورهای دیگر اروپای غربی، خصوصاً پیمان تجاویز ناتورا در نقشه‌های خود وارد سازد و با گسترش شعاع و حیطه عملیاتش تا خلیج فارس و دیگر مناطق "حیاتی" برای او در جهان از امکانات پیمان تجاویز ناتو برای تحقق نقشه‌های استرا-

تزیك خود استفاده کند. اگر چه، بعضی از کشورهای عضو پیمان تجاویز ناتو از این کار سر باز زد مانند، اما در حال حاضر تقسیم کاری در رابطه با منطقه خلیج فارس، در این پیمان تجاویز انجام گرفته، که آلمان فدرال نقش مهمی در آن ایفا می‌کند. - افزایش کمک‌های نظامی به کشورهای دست- نمانده، به منظور کشاندن هر چه بیشتر این- کشورهای به حیطه نفوذ خود و شرکت دادن آنان در سیاست‌های تجاویزگانه خود، - استفاده از ژاندارمهای منطقه‌ای، - کوشش برای سرهم بندی کردن بلوک‌های نظامی جدید و احیای پیمانهای متلاشی شده، نظیر پیمانهای سنتو و سیتو. با وجود تمام این کوششها، امپریالیسم آمریکا شیوه دیگر تأثیر گذاری بر روند داخلی کشورهای در حال رشد را از نظر دور نگاه نداشته است. محافل قدرتمندی در آمریکا اذعان دارند، که تنها به وسیله قهر نظامی نمی‌توان هدف سیاسی معینی را تحقق بخشید. این محافل خاطر نشان می‌سازند، که اعمال قهر نظامی در برابر

کشورهای در حال رشد، اغلب وسیله موثری در پیشبرد اهداف مورد نظر است، اما این شیوه به تنهایی نمی‌تواند کافی باشد، بلکه باید با شیوه‌های پوشیده و ظریف "سیاسی" - اقتصادی نیز تکمیل گردد. بدین خاطر طبق گفته کلارک - که قبلاً نقل شد - وسایل سیاسی و اقتصادی در متن استفاده از قدرت نظامی و به پشتوانه آن، مورد استفاده قرار می‌گیرد. شیوه‌ای که امپریالیسم آمریکا در قبال ایران در پیش گرفت، حمله طیس، وادار کردن عراق به جنگ علیه ایران، محاصره اقتصادی، و اعمال توطئه‌های نفوذی - خزنده سیاسی، که موفقیت- آمیز بوده است، و همه این‌ها در متن و براساس تهدید دائمی نظامی چه علیه ایران و چه در کل جهان مؤید این استراتژی جدید آمریکاست. تردیدی نیست که استراتژی نوین امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا نیز همچون طرح‌های گذشته آن با شکست روبرو خواهد شد. اردوگاه جهانی سوسیالیستی و تمام نیروهای ضد امپریالیست جهان از آنچنان قدرتی برخوردارند که می‌توانند نقشه‌های امپریالیسم را نقش بر آب سازند. امپریالیسم، دیگر قادر نیست خلقها را

حل انقلابی مشکل مسکن در نیکاراگوئه

لایحه جدید وزارت مسکن دولت انقلابی نیکاراگوئه، که در روزهای اخیر به شورای دولت و مجلس این کشور تقدیم شده، حل فوری مشکل مسکن و خانه سازی را در دستور روز قرار داده است.

طبق آمار این وزارتخانه، نیکاراگوئه به ۲۴۰ هزار واحد مسکونی با رشد سالانه ۱۷ هزار احتیاج دارد.

در این لایحه آمده است که بخیر از مشکلات موجود به ارث مانده از رژیم سوموزا، که رفیع آن به نیرو و امکانات فراوانی نیاز دارد یکی از علل کمبود مسکن، فعالیت بساز و بفروش ها و مالکان بخش خصوصی واحد های مسکونی بوده است. دولت اعلام کرده است که داشتن مسکن حق هر خانواده می باشد؛ مسکن از این پس دیگر وسیله تجارت نیست و تنها بقصد سکونت میتوان اقدام به ساختمان آن نمود.

اقداماتی که تا کنون دولت انقلابی نیکاراگوئه در راه رفع مشکل مسکن، به انجام رسانده عبارتند از: کاهش اجاره بهای خانه ها تا پنجاه درصد، کنترل شدید بهای اجاره و مععلق نگاه داشتن همه احکام تخلیه مستأجرین، ساختن بیش از

هشت هزار خانه ارزان قیمت برای زحمتکشان، واگذاری ۲۱ هزار قطعه زمین خالی شهسری، و گذاردن اعتبار لازم در اختیار ساز خانواددهای نیازمند، اعطای اختیار قانونی برای خود خانه بسازنده و اعطای اختیار قانونی برای واگذاری منازل فراریان سوموزائی و ضد-انقلابیون به زحمتکشان.

از دیگر مواد رادیکال و انقلابی قانون جدید است که همه منازل که مالکان آنها وابستگان نشان در آنها زندگی نمی کنند، مصادف خواهد شد. این خانه ها به مستأجران کنونی آنها تعلق خواهد گرفت و اجاره بهای فعلی، تبدیل به اقساط بیست ساله، بهای خانه می شود، که باید به دولت پرداخته شود. مستأجرینی که اکنون بیست سال از مدت اقامتشان در یک محل می گذرد، صاحب قانونی محل سکونت خود محسوب خواهند شد. به این ترتیب، حداقل ۵۰ هزار خانوار، بی درنگ صاحب خانه خواهند شد. صاحبان خانه ها از فروش یا به ارث دادن خانه ها منع شده اند تا به این نحو از معاملات سودجویانه بر روی مسکن جلوگیری شود.

پیش نویس این قانون، مدت ها قبل از عرضه به شورای دولت در روزنامه ها و شورا های محلی اهالی به بحث و بررسی توده ها گذاشته شده بود. نسخه نهایی که برای تصویب فرستاده شد، از مرحله انتقاد و اصلاحات توده مردم گذشته بود. رهبران دولت انقلابی نیکاراگوئه اذعان دارند که این اقدامات تنها گام های نخست برای حل انقلابی مشکل مسکن می باشد. دراز مدت با سرمایه گذاری وسیع بخش دولتی در امر خانه سازی برای زحمتکشان، می توان بسر این مشکل فائق شد. علاوه بر تصویب قوانین و اقدامات قاطع در زمینه تأمین مسکن برای زحمتکشان، دولت انقلابی نیکاراگوئه در سالروز جشن پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی نیکاراگوئه، ۱۶۰۰۰ هکتار زمین زراعی بین دهقانان بی زمین تقسیم کرد.

به این ترتیب دولت انقلابی ای که در محاصره مستقیم امپریالیسم آمریکا و درگیر مبارزه با مزدوران تروریست دست پرورده آن است، با تکیه به توده های محروم خلق، بدون آنکه تسلیم شانتاژ راستگرایان گردد، می تواند از رأی مردم بهر اسد و امر انقلاب را جدا از نظر آنها به دست سرمایه داران و بخش خصوصی بسپارد، شالوده های جامعه آزاد و مستقل نیکاراگوئه و رفاه مردم آنرا بی میریزد.

اما رفتار اپوزیسیون ضد رژیم دیگر چهره بسیار روشن سیاسی دارد که برحمت میتوان آنرا با اصلاح طلبی راست تیره کرد.

وضع موجود در سراسر آمریکای لاتین و بویژه آنچه که از دو سال پیش به این سو در جنوب قاره، آرام آرام ولی بنحوی قاطع روی میدهد و دیکتاتورها را گام به گام به عقب نشینی و امید از دست می تواند. برای پینوشه امیدی برای رهائی باقی بگذارد. عامل عمده، بیکسار طبقات زحمتکش خواهد بود. همانطور که کمونیست های شیلی همواره یاد آور شده اند "رژیم دیکتاتوری خود به خود سرنگون نمیشود، باید آنرا ساقط کرد"

روند انقلاب در شیلی بازگشت ناپذیر است

هنگامیکه با رویارویی کارو سرمایه بهم گره می خورد، بنحود رخساختنتری نمایان میگردد.

دیکتاتور شیلی شانس بزرگی برای فرار از سقوط ندارد.

پینوشه برای رهائی از ورطه سقوط در جهت فعالیت خود را تشدید کرده است. نخست تشدید تضییقات که بنا بگفته پینوشه تکیه اصلی بر آن خواهد بود و سپس اصلاحات آرایشگرانه که باید این دروغ را تلقین کند که گویا رژیم آمانه مذکره با مخالفان خویش است.

سومین روز اعتراض ملی علیه دیکتاتوری در شیلی، علیرغم تمام خشونت ها و تدابیر تزیینی رژیم آمریکائی پینوشه، پایبندی این حکومت ضد ملی و ضد خلقی را سخت به لرزه در آورد.

پس از پایان گرفتن اعتصاب عمومی در چند هفته پیش، دیکتاتور شیلی متوسل به تهدیدات جدی علیه مخالفان خود شد و در عین حال کوشید برخیزها را با پیشنهاد واگذاری مقدمات "نان و آب دار" بخرد. باین ترتیب او خود بدوین اینکه بخواهد، به حساس بودن اوضاع اعتراض کرد.

رهبران بزرگترین اتحاد بهای کارگری شیلی اعلام کردند که مبارزه همزمان با کوشش بستری هماهنگ کردن عملیات زحمتکشان در شاخه های گوناگون اقتصادی، همچنان ادامه خواهد یافت.

این بمعنی یک تغییر کیفی است. اعتراضات عمومی و رنگارنگ اولیه زیر شعار "دموکراسی هم اکنون" مانگ انگیزه ای برای اندیشیدن و یافتن راههای تازه برای رسیدن به آن خواستی میشود که تمام خلق درصدد تحقق آنست.

اعتصاب عمومی پیش از هر چیز نقش پیشاهنگ طبقه کارگر را در مبارزه برای دموکراسی نشان داد. اینک دیگر تمام لایه های خلق را در بر گرفته است. تعداد ناراضیان بسیار بیش از تعداد کارگران است. اما اعتصاب کنندگان، یعنی کسانی که دست به عمل مشخص و وسیع اعتراضی زدند، بویژه کارگران بودند. تعدادی که از چند سال پیش میان گرایشهای دموکراتیک مردم شیلی و رژیم دیکتاتوری پینوشه آغاز شده،



سومین روز اعتراض ملی در شیلی نیز با استقبال وسیع مردم روبرو شد. رژیم سرکوبگر پینوشه جوامع جز ضرب و شتم تظاهر کنندگان نداشته!

